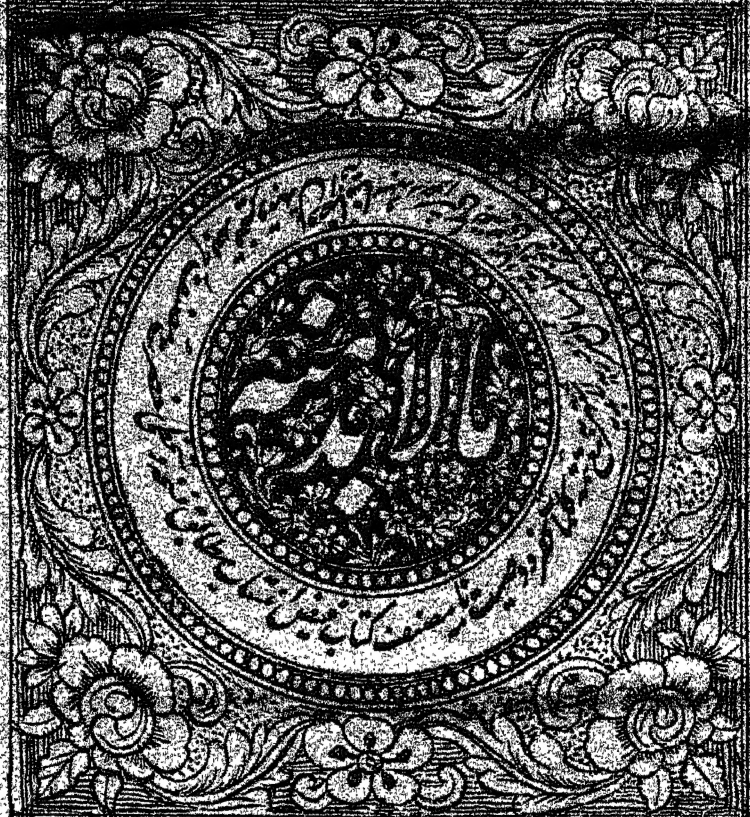


260

2648

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كتابه
الغنى والفضل والجلل والجلل

والحمد لله الذي جعل في كتابه
الغنى والفضل والجلل والجلل



منقول از تذکره طبیبان و شایگان
و از کتب معتبره و از کتب معتبره

در طبیبان و شایگان
و از کتب معتبره و از کتب معتبره

بسم الله الرحمن الرحيم
 بسم الله الرحمن الرحيم
 بسم الله الرحمن الرحيم

واجب الوجود في كل زمان و مكان و كل وقت و حال



منقول از نسخه مطبوعه مطبعه مطهره و فراموشگاه کار و ادب ایران

در مطبعه مطهره مطبعه مطهره و فراموشگاه کار و ادب ایران



بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بی حد و عدد حضرت واحد محمد که انوار مسائل فقیه را برای تشنه کامان لال حسن عاقبت سرمایید
جاوید کرده و قسوة بیایات هدیه جناب رسالت مآب که اصول دین تین و نشا نشو و نمای فروع سعادت
سجد تقیه وجود برآورد و آلاء بعد برنا سکان مناسک دین بین و نهان جان مناج ملت و آیین دخیج باد که از انجا که
تبرج کتب هر نویسنده شریع اشاعت صحائف جمیع مل و نخل باله و ام مطمح نظر منبر ویرا لالکین مطمح کرا
درین ایام نسخه مالا بد منه به جلایه تصحیح و طبعه اقطاع تر زمین یافته و از نسخه منقول گشته که مطمح
سکارم ایزد منان محمد عبدالرحمن خان متمم مطمح نظامی در انتہام تصحیح آن به عرق فشانی پر خفته
و در مضمار خطبه اش توسن قلم را گام سنج این عبارت ساخته بود نسخه دستخطی خاص جناب قاضی صاحب
علیه الرحمۃ از نزد مولوی حافظ محفوظ الدہ صاحب که از اولاد امجا و حضرت قاضی صاحب
اند طلب آشته از ان نقل برگرفت و برای درستی حواشی آن بخدمت جناب حقائق و معارف اگا
مولوی حافظ محب تقدیریانی پی و مولوی حافظ محمد عبدالغفار صاحب و بر آن نظر ثانی
بخدمت مجمع علوم و فنون گرامی جناب مولوی حافظ سید عبدالمد صاحب بلگرامی و جناب
افاضت مآب سرآمد فضلا می تجرین مقبول بارگاه محمد مولانا مفتی محمد عنایت احمد صاحب تالیف و اد
از مکه در عبارت نسخه خاص و دیگر نسخ مطبوعه تفاوت بسیار و بیان آمد و نیز ثبت بعضی حواشی

درین سال نظر کن شیخ شمیم میز
برای قیدیان مرشدیت کلام
معایشی مع لب لباب فقه کلام
چنان نصارت بگیند نماست
سفینه است که بر آسائیل است
برای امتیان هر خوش است
عبادتش همه صفا و طیف و شیر
چنان نصارت بگیند نماست
سفینه است غلط سیکر که است
چنان بکلیه صحت تا سر است
ز بسکه نیزند از لفظ او حلاوت
که صفحا بنظر مجرای غایت
که دست عقل و دست او که برین
که همچو شاهر و عا بحسن بین
زبان او که تجریر شکار گیند

و جناب ستطاب حضرت مولانا قاضی محمد شمس الدین صاحب از اولاد حضرت شیخ جلال الدین کبیر الایہ
پانی پتی قدس سرہ اندر زبده علمای پرمیزگار و عمدہ اتقای روزگار بودند و بعد از وفات سالکی حفظ قرآن العظیم
ممودہ تا زمان شانزدہ سالگی از تحصیل علوم فراغ یافتند و در ایام تحصیل سی صد و پنجاہ کتاب ای کتب
تحصیلہ مطالعہ خود را آوردند نخستین بیعت بخدمت حضرت شاہ محمد عابد صاحب سنای قدس فرمودند
بعد وفات حضرت مدوح بخدمت جناب مرزا مظہر جانجاناں شہید قدس اندر ہمیکہ کلمات کردہ
و بر زبان حضرت ایشان بلقب علم الہدی سر فرارگشتند و حضرت جناب شاہ عبد العزیز قدس سرہ بلقب
بیقی وقت یاد میفرمودند و در اعراض فاضلہ ظاہر باطن و اشاعت علوم و فصل خصوصیات اتقای سوائ اول
مصرف میبودند و در علم تفسیر فقہ و کلام و تصوف و بطولی میدہتن چندین کتاب رسائل درین علوم تصنیف فرمودند
و بکتاب بسیار در جواب سوائہ مشککہ تحریر نموده اند تفسیر منظری کتابت ابن ضخیم و مفت مجلد کلان و اسفیل اسلول اثنا و کلان
و رسالہ مالابہ منہ تذکرۃ الموتی و القبور و تذکرۃ المعاد و حقوق الاسلام کہ بحقیقۃ الاسلام شہرت یافته و رسالہ دست
و اباحت سرود و رسالہ در حرمت متعہ و رسالہ شباب ثاقب و دیگر کتب رسائل کہ از سی عدد و پنجاہ و زو خواہد بود
از تصانیف حضرت ایشانست فات حضرت قاضی صاحب ہ ماہ جب سال یکہزار و دو صد و بیست و پنج ہجریست
چنانچہ جناب لوی محبت صاحب صوف و تاریخ حلت شریف قہر مکر مہون فی جنتہ العظیم یافته اند

۱۰۰

سید بن ابی طالب

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
 بسم الله الرحمن الرحيم
 بسم الله الرحمن الرحيم

واجباً لوجوه چنانچه فرض کننده نماز پنجگانه تصنیف عالم ربانی حضرت قاضی محمد باقر مجلسی



منقول از نسخ مطبوعه مطبعه مطهره و تصحیح و افزوده به تمام کارها در اذان کامل ائمه و غیره از حضرت

در مطبعه میمنتی نوک شوق مطبعه میمنتی بنام

صفات و افعال او تعالی هم در رنگ ذات او بجانم همچون و بیگون
 است مثلاً صفة العلم مر اورا بجا صفتی است قدیم و انکشافی بسیط
 که معلومات از کل وابد با احوال تناسب متضاده کلیه و جزئیه با اوقات
 مخصوصه هر کدام و ران و امد و انسته است که زید و رفلان وقت زنده است
 و رفلان وقت مرده و بکند همچنین کلام او یک کلام بسیط است که تمام است
 منزه از تفصیل است و خلق و تکوین صفتی است مختص بومی تعالی ممکن
 باشد که ممکن را پیدای تواند کرد و کمالات بجا ما چه چه عرض
 افعال اختیاریه بندگان همه مخلوق او تعالی اند و اسباب و وسائط
 را و پوشش فعل خود ساخته است بلکه دلیل بر ثبوت فعل خود کرده چنانچه
 از حرکت جمادات بحرک پی میرند و میدانند که این حرکت فرا خور
 انجا نیست این سراف علی است برای او همچنین آن غنای که بصیرت
 محمل شریعت گشتن شد همیشه اند که کن پیدا کردن ممکن دیگر فعلی باشد
 از افعال یا اثری باشد از اسراض نمیتواند کرد و رمی بشده فرق در افعال

صفات و افعال او تعالی هم در رنگ ذات او بجانم همچون و بیگون
 است مثلاً صفة العلم مر اورا بجا صفتی است قدیم و انکشافی بسیط
 که معلومات از کل وابد با احوال تناسب متضاده کلیه و جزئیه با اوقات
 مخصوصه هر کدام و ران و امد و انسته است که زید و رفلان وقت زنده است
 و رفلان وقت مرده و بکند همچنین کلام او یک کلام بسیط است که تمام است
 منزه از تفصیل است و خلق و تکوین صفتی است مختص بومی تعالی ممکن
 باشد که ممکن را پیدای تواند کرد و کمالات بجا ما چه چه عرض
 افعال اختیاریه بندگان همه مخلوق او تعالی اند و اسباب و وسائط
 را و پوشش فعل خود ساخته است بلکه دلیل بر ثبوت فعل خود کرده چنانچه
 از حرکت جمادات بحرک پی میرند و میدانند که این حرکت فرا خور
 انجا نیست این سراف علی است برای او همچنین آن غنای که بصیرت
 محمل شریعت گشتن شد همیشه اند که کن پیدا کردن ممکن دیگر فعلی باشد
 از افعال یا اثری باشد از اسراض نمیتواند کرد و رمی بشده فرق در افعال

و یا چه
 مالا بدین

صفات و افعال او تعالی هم در رنگ ذات او بجانم همچون و بیگون
 است مثلاً صفة العلم مر اورا بجا صفتی است قدیم و انکشافی بسیط
 که معلومات از کل وابد با احوال تناسب متضاده کلیه و جزئیه با اوقات
 مخصوصه هر کدام و ران و امد و انسته است که زید و رفلان وقت زنده است
 و رفلان وقت مرده و بکند همچنین کلام او یک کلام بسیط است که تمام است
 منزه از تفصیل است و خلق و تکوین صفتی است مختص بومی تعالی ممکن
 باشد که ممکن را پیدای تواند کرد و کمالات بجا ما چه چه عرض
 افعال اختیاریه بندگان همه مخلوق او تعالی اند و اسباب و وسائط
 را و پوشش فعل خود ساخته است بلکه دلیل بر ثبوت فعل خود کرده چنانچه
 از حرکت جمادات بحرک پی میرند و میدانند که این حرکت فرا خور
 انجا نیست این سراف علی است برای او همچنین آن غنای که بصیرت
 محمل شریعت گشتن شد همیشه اند که کن پیدا کردن ممکن دیگر فعلی باشد
 از افعال یا اثری باشد از اسراض نمیتواند کرد و رمی بشده فرق در افعال

صفات و افعال او تعالی هم در رنگ ذات او بجانم همچون و بیگون
 است مثلاً صفة العلم مر اورا بجا صفتی است قدیم و انکشافی بسیط
 که معلومات از کل وابد با احوال تناسب متضاده کلیه و جزئیه با اوقات
 مخصوصه هر کدام و ران و امد و انسته است که زید و رفلان وقت زنده است
 و رفلان وقت مرده و بکند همچنین کلام او یک کلام بسیط است که تمام است
 منزه از تفصیل است و خلق و تکوین صفتی است مختص بومی تعالی ممکن
 باشد که ممکن را پیدای تواند کرد و کمالات بجا ما چه چه عرض
 افعال اختیاریه بندگان همه مخلوق او تعالی اند و اسباب و وسائط
 را و پوشش فعل خود ساخته است بلکه دلیل بر ثبوت فعل خود کرده چنانچه
 از حرکت جمادات بحرک پی میرند و میدانند که این حرکت فرا خور
 انجا نیست این سراف علی است برای او همچنین آن غنای که بصیرت
 محمل شریعت گشتن شد همیشه اند که کن پیدا کردن ممکن دیگر فعلی باشد
 از افعال یا اثری باشد از اسراض نمیتواند کرد و رمی بشده فرق در افعال

مجلسیٰ اسلامیہ
کراچی

اسے نمائیتد برکدام حد ۱۲

فخر راقی دانسته باشد
الزقین علاف و قنند
یو قین ادا و نیت
اد حق نباشد معاهد
دور نفس الاثر نفس مذکور
دور بقدر احتیاج نیست که
واجب مالی ثابت است
است که این صفات در
۱۳ صفی نیست

از نوشتمی پیغمبری تعالی واراده
 بودن آن نزد خدای تعالی
 از نوشتمی پیغمبری تعالی واراده
 بودن آن نزد خدای تعالی
 از نوشتمی پیغمبری تعالی واراده
 بودن آن نزد خدای تعالی

ای برادر بی نهایت و کمیت
 هر چه بروی میرسی بروی هست
 خیر و شر هر چه بودی آید و کفر و ایمان و طاعت و عصیان هر چه
 بنده مرکب آن میشود همه بار اوده الهی است اما حق تعالی از کفر و عصیت
 راضی نیست و بران عذاب مقرر فرموده و از طاعت و ایمان را
 و ثواب بران وعده فرموده آراوه چیزی دیگرست و رضا چیزی دیگر
 و مزاران هزار در و ناهمده و نهار انبیاست علیهم الصلوات و التسلیمات
 که اگر آنها بسعوث نمی شدند کسی راه پدایت نمی دید و معلوم هست
 نمی رسید همه انبیا بر حق اند اول شان آدم است علیه السلام
 و افضل شان محمد است صلی الله علیه و سلم خاتم النبیین و معراج
 پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و اسرای او از مکه به مسجد اقصی و
 از اینجا با سامان هفتم و سدره المنتهی حق است و کتابهای آسمانی که
 بر انبیا نازل شده توریت و انجیل و زبور و قرآن مجید و صحیفهای
 بر بهیم و غیره همه حق است بر همه انبیا و همه کتابهای خدا ایمان

و اسرای او از مکه به مسجد اقصی و
 از اینجا با سامان هفتم و سدره المنتهی
 حق است و کتابهای آسمانی که
 بر انبیا نازل شده توریت و انجیل و
 زبور و قرآن مجید و صحیفهای
 بر بهیم و غیره همه حق است بر همه
 انبیا و همه کتابهای خدا ایمان

بر بهیم و غیره همه حق است بر همه
 انبیا و همه کتابهای خدا ایمان

بانکار انبیا کافر شدند همچنان نصاری عیسی را پسر خدا و مشرکان
 عرب ملائکه را دختران خدا گفتند و علم غیب بآنها مسلم داشتند
 کافر شدند انبیا و ملائکه را در صفات الهی شرکین باید کرد و غیر انبیا
 در صفات انبیا شرکین نباید کرد و عصمت سوای انبیا و ملائکه دیگری
 را از صحابه و اهل بیت و اولیا ثابت نباید کرد و متابعت مقصود
 بر انبیا باید داشت آنچه بغیب صلی الله علیه و سلم خبر داده است
 بآن ایمان باید آورد و آنچه فرموده است بران عمل باید کرد و آنچه
 منع کرده از آن باز باید ماند و قول فصل هر کسی که سر مو از قول
 و فعل پیغمبر مخالفت داشته باشد آزار دهنده باید کرد و پیغمبر خبر داده است
 که سوال سنگ و نمیر در قبر حق است و عذاب قبر مرگافران را و بعضی
 گناهکاران را حق است و بعثت بعد موت روز قیامت حق است
 و نفع برای امات و احیای حق است و شگافتن آسمانها و ریختن
 ستارگان و پریدن کوهها و بر باد رفتن زمین از نفع اولی و برآید

٥٦

در مرد و جوان
است پس چشما را بالذکر
بر درگاه تو گوییم
باز پسندیدن تو عجب گدازد
دین من سلامت گردید
پیغمبری در حق این برین
و حضرت گوید عیسی علیه السلام
ان لا اله الا الله و اشهد
ان محمدا عبده و رسولہ
خدا را و اینان آوردند
پس زانم

۱۰
 ملاک از آن دو دوازده
 دبر بر آنده ۱۱
 گشت در داب و دهن
 در زین ۱۲
 در میان ۱۳
 در میان ۱۴
 در میان ۱۵
 در میان ۱۶
 در میان ۱۷
 در میان ۱۸
 در میان ۱۹
 در میان ۲۰

برآید و آنچه از انواع عذاب و شکنجه از مار و کژدم و منجرب و طوقها
 و آتش و آب گرم و زقوم و غسلین که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 فرموده و قرآن بدان ناطق است و انواع نعمت جنت از ماکل و
 مشرب و عور و قصور و عمره همه حق است و عهده ترین نعمتها می باشد
 ویدار خداست که مسلمانان حق تعالی را در بهشت بی پرده به بینند
 بی حجب و بی کیف و بی شال و ایمن عبارتست از تصدیق قلبی
 با گرویدن و تصدیق زبانی لیکن تصدیق زبانی عند الضرورة قسط
 شود و اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم همه عادل بودند اگر
 از کسی ایماناً از کتاب مصیبتی شده تا نب و مغفور گشته متواترات
 انصوص قرآن و حدیث بهیج صحابه پرست و در قرآن است که آنها
 با هم محبت و رحمت داشتند و بر کفار غلاظ و شداد بودند مگر که صحابه را
 با هم بغض و بی الفت داند مگر قرآن است و هر که با آنها دشمنی
 و خصمه داشته باشد در قرآن بر وی اطلاق کفر آمده حاملان وحی

ملاک از آن دو دوازده
 دبر بر آنده ۱۱
 گشت در داب و دهن
 در زین ۱۲
 در میان ۱۳
 در میان ۱۴
 در میان ۱۵
 در میان ۱۶
 در میان ۱۷
 در میان ۱۸
 در میان ۱۹
 در میان ۲۰
 در میان ۲۱
 در میان ۲۲
 در میان ۲۳
 در میان ۲۴
 در میان ۲۵
 در میان ۲۶
 در میان ۲۷
 در میان ۲۸
 در میان ۲۹
 در میان ۳۰

۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰

فصل و غسل شستن نام
فرض است بخت است
بدن پاک کند پس تر و خنک بیک
جمع بشود
و بر زن رسا بدن آب و چوبای
مویهای پخته ضرور نیست
شستن مو و شستن تمام آن را
وجبات غسل جامع است
نزال نشود و دیگر نزال
در خواب و از خواب بیدار
یک حیض پخته
ل حیض سه و شست
ست و اقل آن

[illegible][illegible]

۲۰
 این کتب با کتب دیگر
 در کتابخانه
 محفوظ است
 و در صورت
 نیاز
 به
 استناد
 می
 تواند
 استفاده
 شود
 و در صورت
 نیاز
 به
 استناد
 می
 تواند
 استفاده
 شود

در رقیق و مقدار چهار نیم باشد در غایب عضو است لیکن آب افساد کند
 و پس خورده آدمی اگر چه کافرا باشد و اسپ و جانوران حلال گوشت
 و عرق آنها و عرق خروا و شیر پاک است و پس خورده گربه و موش و
 دیگر جانوران خانگی مثل کفش و مانند آن و پرندگان حرام گوشت
 و پس خورده که و سگ و بیل و چهار پاگان حرام گوشت
 سواهی گربه و مانند آن نجس است و بول اگر مثل سر سوزن
 ترشح شود و دست حاصل طهارت از نجاست علمی حاصل نشود مگر
 از آب پاک که از آسمان فرو آید یا از زمین بر آید مثل آب و چاه
 چشمه پس از آب و زیت یا شکر مثل آب تر بوز یا انگور یا کسله طهارت
 حاصل نشود و اگر در آب چیزی پاک افتد مانند خاک یا صابون یا
 زعفران و خواران جاز است که در تنبیه رقت او را دور کنند یا در اجزاء
 آب برابر یا زیاد مخلوط شود چنانچه نیم سیر گلاب در نیم سیر آب مخلوط شود یا
 تمام آب را دور شود و نام آن شیر یا آب یا شهاب یا سرکه یا مانند آن شود و در صورت

این کتب با کتب دیگر
 در کتابخانه
 محفوظ است
 و در صورت
 نیاز
 به
 استناد
 می
 تواند
 استفاده
 شود
 و در صورت
 نیاز
 به
 استناد
 می
 تواند
 استفاده
 شود

این کتب با کتب دیگر
 در کتابخانه
 محفوظ است
 و در صورت
 نیاز
 به
 استناد
 می
 تواند
 استفاده
 شود
 و در صورت
 نیاز
 به
 استناد
 می
 تواند
 استفاده
 شود

پاک شود مسله آب جاری و آب کثیر از افتادن نجاست
 در آن یا گدشتن آن بر نجاست نجس نشود مگر وقتی که از نجاست
 رنگ یا مزه یا بو در آن ظاهر شود مسله اگر سنگ در جدول آب
 جاری نشسته باشد یا مرداری در آن افتاده باشد یا متصل
 میز آب نجاست افتاده باشد و آب سستف در باران از آن
 میزاب روان شود پس اگر اکثر آب بسک و نجاست رسیده
 روان میشود نجس باشد و الا پاک باشد مسله آب قلیل
 اندک نجاست نجس شود مسله قتیق که پنج مشک آب باشد
 هر مشک مقدار صراطل که یک من و پنج سیر این دیار باشد مجموع
 پنج من و بست و پنج آثار زو اکثر آنکه کثیر است و نزد امام عظم
 رحمه الله آب کثیر آنست که از حرکت دادن یک طرف طرف
 دوم متحرک نشود و ساخر آن آزار به ده ذراع در ده وقت
 کرده اند مسله در چاه اگر جگه نوری افتد و میسر
 علی بن ابراهیم

2.

[illegible]

جدول متعلقه صفحه ۲۵

جدول اقدار سایه هسی بانقلاب شهور و از ده گانه جلالی و انگریزی و هندی در بلاد مشهور هندوستان بحساب قدام و دقائق یا طول عرض بلدان
و تعیین هر بلد از اقالیم سیع سایه هسی عبارتست از سایه هر جزیر و بنگام رسیدن مرکز آن باب خط نصف النهار که وقت نظر ببنگام زوال و تجاوز از آن نیست
و مراد از قدم در اینجا هفتصد و پنجاه دقیقه و در اینجا شصت و سه قدم است و برای تسهیل حساب کشور ثروانی و ثلث و غیره را در اینجا حذف کرده است باینکه
که این حساب استخراج از جدول اطلالی قدام بازاری در جات ارتفاع از یک ثانیه که در اینجا آورده اند و طریق استخراج اطلال با قدم است
که در جات عرض بلد مطلوب اطلال را در هفت و نیم ضرب نمایند و حاصل ضرب را بر شصت تقسیم نمایند پس خارج قسمت ظل اقدم باشد فقط

تجدیل آفتاب در بروج آفتاب مشرق	حل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	العقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
اطلاق تحول با دایره بانهائی جلالیه	زردی	ازدی	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
اطلاق تحول با دایره مشهور هندی	سیکیم	بکیم	شش	کرک	سنگ	کسیا	کلا	بجج	دبی	کر	کیم	مین
اطلاق تحول با دایره مشهور انگریزی	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
اقدم و دقائق	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم	قدم
احمد نگر	۲۵	۵۵	۱۰	۳۲	۱۰	۵۵	۲	۵	۴	۳	۵	۱۵
دولت آباد اورنگ آباد	۳۶	۶	۴	۲۱	۴	۱	۶	۳	۳	۳	۲	۱۱
سورت	۴۵	۱۳	۸	۱۲	۸	۱۳	۲	۳	۱۳	۶	۱۲	۳۰
کلکتہ	۵۰	۱۸	۱۳	۱۱	۱۳	۱۵	۵	۳	۳	۶	۲	۱۲
راجا آباد کجرات	۱	۲۶	۲۲	۱	۲۲	۲۶	۱	۳	۳	۶	۳	۱۵
کالی و مرشد آباد	۱۵	۱	۲۲	۱۲	۳۳	۱۵	۱	۱۵	۱۵	۶	۱۵	۱۱
الہ آباد و بہار	۲۵	۱	۲۲	۱۹	۳۰	۲۵	۲	۲۳	۱۹	۲۲	۱۹	۱۱
بنارس و غنیم آباد	۲۶	۱	۲۲	۲۱	۳۰	۲۶	۱	۲۴	۲۲	۲۴	۲۴	۱۱
سونگیر	۲۶	۱	۲۲	۲۱	۳۰	۲۶	۱	۲۴	۲۲	۲۴	۲۴	۱۱

مجموعه
۱۱

تتمت جدول اقدار سایه اصلی متعلقه صفحه ۲۵

[illegible]

بر هر دو قول وقت عصر است تا که آفتاب زرد و بی شعاع
 نشو و بعد از آن وقت عصر مکرره است تا غروب آفتاب
 و آن وقت عصر نهان روز با که است تحریمی جائز است دیگر
 نماز فرض و فصل جائز نیست و بعد غروب آفتاب وقت
 مغرب است تا غروب شفق سرخ زرد و آتش علم و نزد
 امام عظم بر قوی تا شفق سفید وقت مغرب باقی ماند
 لیکن بعد انبوه ستارگان نماز مغرب مکرره باشد بکره است
 تنزیهی و بعد گذشتن وقت مغرب بر هر دو قول وقت عشاء است
 تا نصف شب نزد جمهور و نزد امام عظم تا صبح با که است
 تحریمی و وقت وتر بعد ادا عشاء تا طلوع صبح
 و تاخیر ظهر در گرام و تاخیر عشاء تا ثلث شب و در روشنی
 روز خواندن صبح جمعی که بقراءت مسنون نیاز ادا کند
 و اگر فساد ظاهری شود باز بقراءت مسنون ادا کند

بر این وقت عصر است تا که آفتاب زرد و بی شعاع
 نشو و بعد از آن وقت عصر مکرره است تا غروب آفتاب
 و آن وقت عصر نهان روز با که است تحریمی جائز است دیگر
 نماز فرض و فصل جائز نیست و بعد غروب آفتاب وقت
 مغرب است تا غروب شفق سرخ زرد و آتش علم و نزد
 امام عظم بر قوی تا شفق سفید وقت مغرب باقی ماند
 لیکن بعد انبوه ستارگان نماز مغرب مکرره باشد بکره است
 تنزیهی و بعد گذشتن وقت مغرب بر هر دو قول وقت عشاء است
 تا نصف شب نزد جمهور و نزد امام عظم تا صبح با که است
 تحریمی و وقت وتر بعد ادا عشاء تا طلوع صبح
 و تاخیر ظهر در گرام و تاخیر عشاء تا ثلث شب و در روشنی
 روز خواندن صبح جمعی که بقراءت مسنون نیاز ادا کند
 و اگر فساد ظاهری شود باز بقراءت مسنون ادا کند

بر این وقت عصر است تا که آفتاب زرد و بی شعاع
 نشو و بعد از آن وقت عصر مکرره است تا غروب آفتاب
 و آن وقت عصر نهان روز با که است تحریمی جائز است دیگر
 نماز فرض و فصل جائز نیست و بعد غروب آفتاب وقت
 مغرب است تا غروب شفق سرخ زرد و آتش علم و نزد
 امام عظم بر قوی تا شفق سفید وقت مغرب باقی ماند
 لیکن بعد انبوه ستارگان نماز مغرب مکرره باشد بکره است
 تنزیهی و بعد گذشتن وقت مغرب بر هر دو قول وقت عشاء است
 تا نصف شب نزد جمهور و نزد امام عظم تا صبح با که است
 تحریمی و وقت وتر بعد ادا عشاء تا طلوع صبح
 و تاخیر ظهر در گرام و تاخیر عشاء تا ثلث شب و در روشنی
 روز خواندن صبح جمعی که بقراءت مسنون نیاز ادا کند
 و اگر فساد ظاهری شود باز بقراءت مسنون ادا کند

بر این وقت عصر است تا که آفتاب زرد و بی شعاع
 نشو و بعد از آن وقت عصر مکرره است تا غروب آفتاب
 و آن وقت عصر نهان روز با که است تحریمی جائز است دیگر
 نماز فرض و فصل جائز نیست و بعد غروب آفتاب وقت
 مغرب است تا غروب شفق سرخ زرد و آتش علم و نزد
 امام عظم بر قوی تا شفق سفید وقت مغرب باقی ماند
 لیکن بعد انبوه ستارگان نماز مغرب مکرره باشد بکره است
 تنزیهی و بعد گذشتن وقت مغرب بر هر دو قول وقت عشاء است
 تا نصف شب نزد جمهور و نزد امام عظم تا صبح با که است
 تحریمی و وقت وتر بعد ادا عشاء تا طلوع صبح
 و تاخیر ظهر در گرام و تاخیر عشاء تا ثلث شب و در روشنی
 روز خواندن صبح جمعی که بقراءت مسنون نیاز ادا کند
 و اگر فساد ظاهری شود باز بقراءت مسنون ادا کند

نماز فاسد گردد و مویهای سر زن که فرو شسته باشند عضو میست
علیه اگر چهارم حصه آن برهنه شود نماز فاسد گردد و مسلم
در نوازل گفته که آواز زن هم عورت است این سهام گفته که برین
تقدیر اگر زن بقراست بجه خواند نمازش شود مسلم هر که ایچ
برای ستر عورت نباشد نماز او برهنه جائز نیست مسلم
اگر جانب قبله معلوم نشود تحسری کرده موافق تحریر نماز گزارد
و بدون تحریر نمازش جائز نیست مسلم هر که بسبب خوف
و دشمن یا عدم قدرت بسبب مرض رو قبله نتواند آورد و هر
چه ممکن باشد نماز گزارد مسلم نماز نفل صحه اربعه یا سه
که چهار پایه رود جائز است مسلم نیت شرط نماز است مطلق نیت
برای نفل و نیت و تراویح جائز است و برای فرض و وتر تعیین
نیت متصل تحریمه و دانستن آنکه نماز ظهری خوانم یا عصر شرط است
و نیت اقتدار بر مقتدی لازم است و نیت عدد رکعات شرط نیست

۱. قلم و کلام
 ۲. انان و انانیت
 ۳. قلم و انانیت
 ۴. قلم و انانیت
 ۵. قلم و انانیت
 ۶. قلم و انانیت
 ۷. قلم و انانیت
 ۸. قلم و انانیت
 ۹. قلم و انانیت
 ۱۰. قلم و انانیت

بقدر سه آیه و نزو شافععی و الحمد فاتحه خواندن فرض است و بسم الله
 بزرگوارم امک نیز آتش
 یک آیه است از فاتحه نزو انما و سجد و نهادن پیشانی و بینیه فرض
 است و عند الضرورة اکتفا بیکه از آن جائز است و نزو شافععی و الحمد
 و سجد و نهادن پیشانی و بینیه و هر دو اکمل است و هر دو زانو و
 انگشتان هر دو پا فرض است و ترتیب در ارکان نماز فرض است
 مگر در سجد و دوم پس اگر در رکعتی یک سجد کرده و سجد دوم فراموش
 گرد و نماز فاسد نشود و در رکعت دوم سجدۀ قضائکند و سجد و سولانم
 گرد و این هم از کافی حاکم آورد که اگر شخصی نماز شروع کرد و قرائت
 و رکوع بجا آورد و سجد نکرد پس قیام و قرائت کرد و سجد کرد و
 رکوع نکرد این همه یک رکعت شد و همچنین اگر اول رکوع کرد و پست
 قیام و قرائت و رکوع و سجد در دهم یک رکعت شد و همچنین اگر
 اول دو سجد کرد و پست قیام و قرائت و رکوع کرد و سجد نکرد و پست
 قیام و قرائت و سجد کرد و رکوع نکرد این همه یک رکعت شد و همچنین
 این دو سجد غیر مستحب

[illegible]

۱۴ معتمد بنیانی و قرائت هم

بأنها قال باید که مسئله جماعت زنان تنها تر و ابی حنیفه مکروه است
 و نزد و دیگر آمده جائز نیست مسئله اولی برای امامت قاری تر است که
 از احکام نماز واقف باشد پسر عالم تر که قرآن مایجوز به اصلوات خواند
 و نزد اکثر علماء عکس آن و امامت فاسق جائز نیست باکره است واقف
 مرد قاری بالغ بکودک وزن و امی واقف امی مفترض متفضل جائز
 نیست و اگر امی قاری و امی را امامت کند نماز هر سه باطل شود و نماز
 پس محدث جائز نیست و از فساد نماز امام نماز مقتدی فاسد شود
 و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی خلف قییم جائز نیست و نماز
 رکوع و سجود کننده خلف اشارت کننده جائز نیست مسئله اگر یک
 مقتدی باشد بر اثر امام بدست رست بایستد و دو مقتدی و زیاده
 خلف امام بایستند و تنها خلف صف اگر کسی نماز گزار و نمازش
 مگر و باشد و نزد احمد نمازش جائز نباشد اگر مقتدی از امام
 مقدم شود و نمازش باطل شود ابن ماجه از انس روایت کرده

بأنها قال باید که مسئله جماعت زنان تنها تر و ابی حنیفه مکروه است
 و نزد و دیگر آمده جائز نیست مسئله اولی برای امامت قاری تر است که
 از احکام نماز واقف باشد پسر عالم تر که قرآن مایجوز به اصلوات خواند
 و نزد اکثر علماء عکس آن و امامت فاسق جائز نیست باکره است واقف
 مرد قاری بالغ بکودک وزن و امی واقف امی مفترض متفضل جائز
 نیست و اگر امی قاری و امی را امامت کند نماز هر سه باطل شود و نماز
 پس محدث جائز نیست و از فساد نماز امام نماز مقتدی فاسد شود
 و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی خلف قییم جائز نیست و نماز
 رکوع و سجود کننده خلف اشارت کننده جائز نیست مسئله اگر یک
 مقتدی باشد بر اثر امام بدست رست بایستد و دو مقتدی و زیاده
 خلف امام بایستند و تنها خلف صف اگر کسی نماز گزار و نمازش
 مگر و باشد و نزد احمد نمازش جائز نباشد اگر مقتدی از امام
 مقدم شود و نمازش باطل شود ابن ماجه از انس روایت کرده

بأنها قال باید که مسئله جماعت زنان تنها تر و ابی حنیفه مکروه است
 و نزد و دیگر آمده جائز نیست مسئله اولی برای امامت قاری تر است که
 از احکام نماز واقف باشد پسر عالم تر که قرآن مایجوز به اصلوات خواند
 و نزد اکثر علماء عکس آن و امامت فاسق جائز نیست باکره است واقف
 مرد قاری بالغ بکودک وزن و امی واقف امی مفترض متفضل جائز
 نیست و اگر امی قاری و امی را امامت کند نماز هر سه باطل شود و نماز
 پس محدث جائز نیست و از فساد نماز امام نماز مقتدی فاسد شود
 و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی خلف قییم جائز نیست و نماز
 رکوع و سجود کننده خلف اشارت کننده جائز نیست مسئله اگر یک
 مقتدی باشد بر اثر امام بدست رست بایستد و دو مقتدی و زیاده
 خلف امام بایستند و تنها خلف صف اگر کسی نماز گزار و نمازش
 مگر و باشد و نزد احمد نمازش جائز نباشد اگر مقتدی از امام
 مقدم شود و نمازش باطل شود ابن ماجه از انس روایت کرده

بأنها قال باید که مسئله جماعت زنان تنها تر و ابی حنیفه مکروه است
 و نزد و دیگر آمده جائز نیست مسئله اولی برای امامت قاری تر است که
 از احکام نماز واقف باشد پسر عالم تر که قرآن مایجوز به اصلوات خواند
 و نزد اکثر علماء عکس آن و امامت فاسق جائز نیست باکره است واقف
 مرد قاری بالغ بکودک وزن و امی واقف امی مفترض متفضل جائز
 نیست و اگر امی قاری و امی را امامت کند نماز هر سه باطل شود و نماز
 پس محدث جائز نیست و از فساد نماز امام نماز مقتدی فاسد شود
 و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی خلف قییم جائز نیست و نماز
 رکوع و سجود کننده خلف اشارت کننده جائز نیست مسئله اگر یک
 مقتدی باشد بر اثر امام بدست رست بایستد و دو مقتدی و زیاده
 خلف امام بایستند و تنها خلف صف اگر کسی نماز گزار و نمازش
 مگر و باشد و نزد احمد نمازش جائز نباشد اگر مقتدی از امام
 مقدم شود و نمازش باطل شود ابن ماجه از انس روایت کرده

پستر امام و مقتدی و منفرد آمین آهسته گویند پسر امام و منفرد و سوره
 خمر کنند و سنت آنست که در حالت اقامت و طمینان در فجر و
 ظهر طوال مفصل خواند از سوره حجات تا سوره بروج و در عصر و
 عشا و ساط مفصل از بروج تا لم یکن و در مغرب قصار از که یکین
 تا آخرت آن لیکن این چنین لازم گرفتن مسنون نیست گاهی پنجم
 صلی الله علیه و سلم در فجر معوذتین خوانده و گاهی در مغرب سوره طهار
 و سوره نجم و و المراتل خوانده و اگر مقتدیان فارغ و راغب و طول
 قیام باشند روا باشد که قرائت طویل خواند ابو بکر صدیق و نماز
 فجر در یک رکعت سوره بقره خوانده و پیغمبر صلی الله علیه و سلم و
 دو رکعت مغرب سوره اعراف خوانده و عثمان در نماز فجر اکثر
 سوره یوسف میخواند لیکن رعایت حال مقتدیان ضرورت است معاف
 بن جبل در نماز عشا سوره بقره خواند یک مقتدی پیغمبر علیه السلام
 شکایت کرد پیغمبر علیه السلام فرمود ای معاذ مگر تو در وقت نماز و بلا

طهارت و نماز و سوره طهارت و سوره بروج و سوره حجات تا سوره بروج و در عصر و عشا و ساط مفصل از بروج تا لم یکن و در مغرب قصار از که یکین تا آخرت آن لیکن این چنین لازم گرفتن مسنون نیست گاهی پنجم صلی الله علیه و سلم در فجر معوذتین خوانده و گاهی در مغرب سوره طهار و سوره نجم و و المراتل خوانده و اگر مقتدیان فارغ و راغب و طول قیام باشند روا باشد که قرائت طویل خواند ابو بکر صدیق و نماز فجر در یک رکعت سوره بقره خوانده و پیغمبر صلی الله علیه و سلم و دو رکعت مغرب سوره اعراف خوانده و عثمان در نماز فجر اکثر سوره یوسف میخواند لیکن رعایت حال مقتدیان ضرورت است معاف بن جبل در نماز عشا سوره بقره خواند یک مقتدی پیغمبر علیه السلام شکایت کرد پیغمبر علیه السلام فرمود ای معاذ مگر تو در وقت نماز و بلا

در وقت نماز و بلا شکایت کرد پیغمبر علیه السلام فرمود ای معاذ مگر تو در وقت نماز و بلا

و مقتدی بعد از آن و وقت سر برداشتن نزد امام عظیم امام سمیع الله
 طین محمد گوید و مقتدی سر ببالک الحمد و منفرد هر دو نزد صاحبین
 امام جم جمع کند میان هر دو پستگیر گویان بسجود رود و اول هر دو زانو
 پستر هر دو دست بند پستربی و پیشانی میان هر دو دست و گشتان
 دست ضم کرده بسوی قبله دارد و باز را از پهلو و شکم را از ران
 و ساق و ذراع را از زمین دور دارد و وزن پست سجده کند و این
 همه را با هم پیوسته دارد و مناسب قیام و رکوع سجده کند
 سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى بر عایت طاق بخوانده باشد اذنی است
 گشته بار بخواند یا بستگی و اطمینان پستر تکبیر گویان سر بردارد و نشیند
 باطمینان و بخواند اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي
 وَارْزُقْنِي وَارْقُتْنِي وَاجْعَلْ لِي پستر تکبیر گویان بار سجده کند مثل
 اول و همچنان تسبیحات گوید پستر تکبیر گویان خیریند و اول رو پس
 هر دو دست پستر زانو با برداشته استاده شود و در رکعت ثانیه

[illegible]

یادت مسح موزه تمام شد یا موزه بعمل قسیل از پاکشید یا صاحب
 ترتیب را نماز فاشته یا و آمد یا قاری امی را خلیفه گرفت یا آفتاب
 در نماز فجر طلوع کرد یا وقت ظهر درین حالت از نماز جمعه برآمد یا صاحب
 عذر مثل سلس البول و مانند آنرا عذر دور شد یا جیره زخم از به شدن زخم
 بر سخت درین صورتها بجهت فرض بودن خروج بفعل مصلی نماز نرود
 امام اعظم باطل شد و نزد صاحبین باطل نشد مسئله اگر امام را حدث شد
 و مسبوق را خلیفه گرفت مسبوق نماز امام را تمام کند پست خلیفه کند و اگر
 تا سلام دهد با قوم و آن مسبوق استاده شود و نماز خود تمام کند
 مسئله اگر در رکوع یا سجود حدث لاحق شود چون بنا کند آن رکوع سجود
 را اعاده کند و اگر در رکوع و سجود یا و آمد که یک سجده از رکعت ولی فوت
 شد و بود یا سجده تلاوت فوت شده بود آن سجده را قضا کند و اعاده
 این سجده تجلیست و جب نیست و اگر امام را حدث شد و مقتدی بکمر و
 همان مروی تعیین خلیفه میشود و اگر مقتدی یکین یا یک طفل است

مستحب است که در هر عید آفتاب زوال کرد در هر عید و تا سلام نماز تمام کرد
 و اگر در هر عید آفتاب زوال کرد در هر عید و تا سلام نماز تمام کرد
 و اگر در هر عید آفتاب زوال کرد در هر عید و تا سلام نماز تمام کرد

چهارم آنست که اگر در هر عید آفتاب زوال کرد در هر عید و تا سلام نماز تمام کرد
 و اگر در هر عید آفتاب زوال کرد در هر عید و تا سلام نماز تمام کرد
 و اگر در هر عید آفتاب زوال کرد در هر عید و تا سلام نماز تمام کرد

کندانی آخرت ۱۲ جائز است ۱۳ بعد از نماز ۱۴ سلام دهد ۱۵ غیبت کند ۱۶ کسی که دیگر ۱۷ سلام رسانند ۱۸ مقتدیان ۱۹ بیعت شدن مانع

رکعت ششم کرده سلام دهد و سجده سهو کند و اگر خواهد رکعت ششم بخواند
قعه اخیره کند و سلام دهد و در صورت چهار رکعت نفل شد و یک رکعت
باطل شد فصل اگر نماز را وقت فوت شود قضا کند با اذان و اقامت
او پس اگر جماعت خواند هر دو نماز بهی تقرات و حبست اگر تنها خواند
قرات بخواند مسئله ترتیب در نوات و وقته فرض است همچنین در فرض
ترک و حبست هم فرض است نزد امام عظم پس اگر با وجودیکه فائمه یاد باشد
بخواند نماز و قیمة فاسد شود پس اگر قضا کرد فائمه را پیش از ادا کردن قیمة
ثانیة نماز و قیمة اولی بطل شد فرضیت و اگر پیش از قضا کردن آن فائمه پنجم
وقیمة ادا کرد آن وقیمة فاسد شد فساد ووقوف اگر بعد از آن وقیمة ششم
پیش از ادا کردن فائمه ادا کرد آن وقیمة صحیح شد نزد امام عظم نه نزد
حاجین مسئله اگر عشاء بر امثلی بیوض خواند و سنت و وتر با وضو خواند همراه عشاء
سنت بخواند و عاده و ترکند نزد امام عظم و نزد صاحبین و تراهم عاده کند
مسئله ترتیب پنجم بر ما قطع شود یکی بسبب تنگی وقت و قیمة دوم بر ما

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

تقریر و تفسیر
عالم بدین

بیان قضایا فاضل

ویدادش و عارفان و فاضلان و اولیای
نشدند بر تقدیر و تقدیر تشنه نقد
علایق و انوار که درین صفت

میں نے ان کے مکان کو دودھ سے
میں نے ان کے مکان کو دودھ سے

می خوانست که این حکم نامحایست ۱۲

三三

三

سوم وقتی که در روزه او شش فاسته شود و نوبت باشد یا کمینه پسر
 به گاه فوائت او کند باز ترتیب عود نماید و اگر شش نماز یا زیاده
 فوت شود و چند نماز قصار و تا که کم از شش در روزه باقی ماند نذر
 بعضی ترتیب عود کند و قوی بر آنست که ترتیب عود نکند تا که تمام او
 نشود فصل در مفادات و مکروهات کلام اگر چه سهواً باشد یا در
 خواب مفسد نماز است و همچنین دعا یا چیزی که طلب آن آزاد میان
 ممکن باشد و ناکه کردن و آو ده گفتن و اف گفتن و گریستن با و از
 از روی یا صیبت نه از ذکر بشت و در فتنه و تخم بی عذر کردن
 و عا طس ایتمحک الله گفتن و جواب او ن خبر خوش الحمد لله
 و خبر بد بتر جاع و خبر تعجب به سبحان الله یا لا حول و لا قوة
 الا بالله نماز را فاسد کند و اگر بر غیر امام خود فتح کند نماز
 فاسد شود و از فتح بر امام خود نماز فاسد نشود و سلام عمداً و
 ببرد سلام نماز را فاسد کند نه سهواً و خواندن از صحت و عذر

در وقتیکه در روزه او شش فاسته شود و نوبت باشد یا کمینه پسر
 به گاه فوائت او کند باز ترتیب عود نماید و اگر شش نماز یا زیاده
 فوت شود و چند نماز قصار و تا که کم از شش در روزه باقی ماند نذر
 بعضی ترتیب عود کند و قوی بر آنست که ترتیب عود نکند تا که تمام او
 نشود فصل در مفادات و مکروهات کلام اگر چه سهواً باشد یا در
 خواب مفسد نماز است و همچنین دعا یا چیزی که طلب آن آزاد میان
 ممکن باشد و ناکه کردن و آو ده گفتن و اف گفتن و گریستن با و از
 از روی یا صیبت نه از ذکر بشت و در فتنه و تخم بی عذر کردن
 و عا طس ایتمحک الله گفتن و جواب او ن خبر خوش الحمد لله
 و خبر بد بتر جاع و خبر تعجب به سبحان الله یا لا حول و لا قوة
 الا بالله نماز را فاسد کند و اگر بر غیر امام خود فتح کند نماز
 فاسد شود و از فتح بر امام خود نماز فاسد نشود و سلام عمداً و
 ببرد سلام نماز را فاسد کند نه سهواً و خواندن از صحت و عذر

در وقتیکه در روزه او شش فاسته شود و نوبت باشد یا کمینه پسر
 به گاه فوائت او کند باز ترتیب عود نماید و اگر شش نماز یا زیاده
 فوت شود و چند نماز قصار و تا که کم از شش در روزه باقی ماند نذر
 بعضی ترتیب عود کند و قوی بر آنست که ترتیب عود نکند تا که تمام او
 نشود فصل در مفادات و مکروهات کلام اگر چه سهواً باشد یا در
 خواب مفسد نماز است و همچنین دعا یا چیزی که طلب آن آزاد میان
 ممکن باشد و ناکه کردن و آو ده گفتن و اف گفتن و گریستن با و از
 از روی یا صیبت نه از ذکر بشت و در فتنه و تخم بی عذر کردن
 و عا طس ایتمحک الله گفتن و جواب او ن خبر خوش الحمد لله
 و خبر بد بتر جاع و خبر تعجب به سبحان الله یا لا حول و لا قوة
 الا بالله نماز را فاسد کند و اگر بر غیر امام خود فتح کند نماز
 فاسد شود و از فتح بر امام خود نماز فاسد نشود و سلام عمداً و
 ببرد سلام نماز را فاسد کند نه سهواً و خواندن از صحت و عذر

در وقتیکه در روزه او شش فاسته شود و نوبت باشد یا کمینه پسر
 به گاه فوائت او کند باز ترتیب عود نماید و اگر شش نماز یا زیاده
 فوت شود و چند نماز قصار و تا که کم از شش در روزه باقی ماند نذر
 بعضی ترتیب عود کند و قوی بر آنست که ترتیب عود نکند تا که تمام او
 نشود فصل در مفادات و مکروهات کلام اگر چه سهواً باشد یا در
 خواب مفسد نماز است و همچنین دعا یا چیزی که طلب آن آزاد میان
 ممکن باشد و ناکه کردن و آو ده گفتن و اف گفتن و گریستن با و از
 از روی یا صیبت نه از ذکر بشت و در فتنه و تخم بی عذر کردن
 و عا طس ایتمحک الله گفتن و جواب او ن خبر خوش الحمد لله
 و خبر بد بتر جاع و خبر تعجب به سبحان الله یا لا حول و لا قوة
 الا بالله نماز را فاسد کند و اگر بر غیر امام خود فتح کند نماز
 فاسد شود و از فتح بر امام خود نماز فاسد نشود و سلام عمداً و
 ببرد سلام نماز را فاسد کند نه سهواً و خواندن از صحت و عذر

که در دل کشید
مقتلات کرد
تا این میوه
نمونه
داگرند و لا
غیر کردن
میزین بدن
مهر اساتذ
صلوات

و نهادن ستره و خط کشیدن فائده ندارد و ستره امام قوم را کشا
پسند و گنزد را اگر ستره نباشد مصلی از گزشتن دفع کند باشد
تا بیست و نه بر دو مسئله اگر نماز کند بر پارچه دوته که استر آن نجس باشد
اگر آن دوته مضرب نباشد نماز صحیح باشد و اگر مضرب باشد صحیح نباشد
و اگر بر پارچه گسترانیده نماز کند که یک طرف ازان نجس باشد نماز
روا باشد از حرکت دادن طرفی دیگر طرف متحرک شود یا نشود و
اگر پارچه دراز باشد یک طرفی ازان پوشیده نماز گزارد و طرفی دیگر
نجس بر زمین باشد اگر از متحرک صلی طرف پارچه که نجس است متحرک
میشود نماز و انباشد و اگر متحرک نمی شود روا باشد مسئله مکرره است
عبث کردن در نماز بر پارچه یا بدن اگر عمل قلیل باشد و اگر عمل
کثیر است مفسد است و سنگریزه از موضع سجود کیس و گردن گرد و صورتیکه
سجود ممکن نباشد یکبار یا دو بار سنگریزه دفع کند و مکرره است
از گشتن را مالیده و کشیده با و از آوردن و دست بر تنی گاه

شعوب کاد
نمایند
این وضعت و در کش فعل
در عمارت و در باره بسیار
پایین بر دو دین بین
نمونه که در دست کردن
تو این بیست و نه
است بر مصلی است
آوردن دست چپ
هفته از دست چپ
شکل نه و غیر آن
پایین مکرر و نماز
کلمات و غیره
نزد امام ابی خنیفه رحمه الله
جائز است که در آن ابروان و اگر پارچه
باب یک پنجاه و پنج
گردانیدن بخش نظری در باره
رنگ و بیش محسوس میشود
جائز است که در آن ابروان و اگر پارچه
مصلی تو را پارچه
افشاندن باشد در کسری تابان
بیچین مصلحت دارد که در آن
اگر در آن در
نماز خارج نماز
کسری از ابروی
در خط کشیدن
آوردن با بدن
خارج از نماز
جائز است

نماز

پس تو خود برو که در کمال
 به خود قدرت یافت باز
 از هر که در دنیا باشد
 سزاوارتر از او
 امام جماعت کوثری
 شریک تو در کمال
 منقل شربت باشد در صورت
 بخاوندت دانم در محبت
 دی که کشتی فنا
 مبدان خود را

مسئله اگر مریض نماز شصت میگردد و یار کوع و سجود در میان نماز
قادر شد بر قیام استاده شده همان نماز را تمام کند و نزد امام محمد
نماز را از سر گیرد و اگر مریض نماز با شاره بگیرد و در میان نماز بر کوع
و سجود قادر شد با اتفاق نماز را از سر گیرد مسئله هر که بیوش شد
یا دیوانه گشت یک شبانه روز نماز قضا کند و اگر زیاده از
شبانه روز یک ساعت هم گذشته باشد قضا واجب نشود و نزد
محمد تا که نماز ششم را وقت در نیامده باشد قضا واجب شود
فصل شخصی که از خانه خود بر آید و از عمارات شهر خارج شود نیت
سفر سه مراحله هر مرحله شانزده کرده هر کرده چهار هزار قدم نشخص
فرض چهار گانه را دو گانه گذارد و اگر چهار رکعت کرد پس اگر بود
در رکعت قعد کرد نماز او اشود و رکعت فرض و دو رکعت نفل شود
و بسبب آن نیز نفل با فرض نزه کار باشد و اگر سهواً انجین کرد
بیتانجیر سلام سجد و سهو کند و اگر بر دو رکعت نیت است و بیتانجیر

[illegible][illegible]

مسلمانان را و استغفار برای نفس خود برای مسلمانان و اگر
 آنکه فرض است و نزد امام اعظم سنت است و ترک آن مکروه و محرم
 جماعت است و آن نزد شافعی و احمد چهل کس میباید و نزد ابی حنیفه
 سه کس و دعای امام و نزد ابی یوسف و کس سوای امام مسئله
 اگر در میان نماز مردم جماعت بگریزند و عدد جماعت نماند جمعه امام
 و باقی ماند با فاشه شود و نظر از سرگیری نهمین اذان عام مسئله
 نماز جمعه بر طفل و بنده و وزن و مسافر و مریض واجب نیست و
 نهمین بپایان نرسد امام اعظم اگر چه او را قاضی میسر شود و نزد
 آنکه گفته اگر قاضی میسر شود جمعه بر ناپیدا واجب باشد و الا نه و بر بنده
 نزد احمد جمعه و حبس مسئله اگر بنده یا مریض یا مسافر نماز جمعه
 مصر کند از جمعه او اشد و و نظر ساقط گردد و مسئله کیکه خارج مصر میباش
 اگر از آن جمعه نشیند و بروی حضور جمعه لازم است مسئله بنده مریض و
 مسافر اگر در جمعه امام گیرند روا باشد مسئله اگر جماعت مسافران

مسلمانان را و استغفار برای نفس خود برای مسلمانان و اگر
 آنکه فرض است و نزد امام اعظم سنت است و ترک آن مکروه و محرم
 جماعت است و آن نزد شافعی و احمد چهل کس میباید و نزد ابی حنیفه
 سه کس و دعای امام و نزد ابی یوسف و کس سوای امام مسئله
 اگر در میان نماز مردم جماعت بگریزند و عدد جماعت نماند جمعه امام
 و باقی ماند با فاشه شود و نظر از سرگیری نهمین اذان عام مسئله
 نماز جمعه بر طفل و بنده و وزن و مسافر و مریض واجب نیست و
 نهمین بپایان نرسد امام اعظم اگر چه او را قاضی میسر شود و نزد
 آنکه گفته اگر قاضی میسر شود جمعه بر ناپیدا واجب باشد و الا نه و بر بنده
 نزد احمد جمعه و حبس مسئله اگر بنده یا مریض یا مسافر نماز جمعه
 مصر کند از جمعه او اشد و و نظر ساقط گردد و مسئله کیکه خارج مصر میباش
 اگر از آن جمعه نشیند و بروی حضور جمعه لازم است مسئله بنده مریض و
 مسافر اگر در جمعه امام گیرند روا باشد مسئله اگر جماعت مسافران

طحاوی
 در غنی
 بلاک کرد

سوره مائده خوانده و بقدر می قیام کرد و همان قدر رکوع و همچنان
توبه و همچنان سجود و همچنان جلسه ادا فرمود و گاهی در یک رکعت
این چهار سوره جمع فرموده و حضرت عثمان رضی الله عنه در یک رکعت
و تمام قرآن ختم کرده لیکن مستحب است که هر روز آنقدر بخواند که دو بار
بر آن توان کرد و در ماهی یک ختم کند یا دو ختم یا سه ختم و اکثر صحابه و
شب ختم میفرمودند شب اول سوره بقره و آیه عمران و نشاء
و دوم پنج سوره باریزه سوره باریزه یا زود یا زود یا زود یا زود
آخر قرآن و این ختم را فنی بشوق می نامند و قرآن بهتر است خواند
و مستحب است که نماز صبح بجاعت خوانده تا بلند شدن آفتاب
و اگر مشغول باشد آن زمان دو گانه قتل گزار و نواب یک حج و یک عمره
کامل دریابد و اگر چهار رکعت اول روز بخواند حق تعالی میفرماید که تا
آخر روز او را کفایت کنم و این را نماز اشراق گویند و چون آفتاب
گرم شود پیش از زوال نماز صبحی هشت رکعت از پیغمبر خدا مروی گشته

تولیدی و پخش کننده
سازمان تبلیغات

سورۃ البقرہ و آل عمران
و نساء و

وزیر امور خارجہ

سورہ بقرہ

سورہ فاتحہ و اربعہ سورہات

از پاسداری

از پاسور کنیا اسرائیل

وہاں سے

مجلس شورای اسلامی

کتابخانه عمومی
شعبه کتب خطی
موسسه تحقیقات و
مطالعات اسلامی
تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

الشيخ محمد بن عبد الله

مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

۱۰۰

دور واد

تاریخ: ۱۳۸۵/۰۵/۰۵

۱۳۳۳

۱۰۰

کرم در فضل زکات
 تو بر من در سوال
 بجز سبب قار و برون
 طلب قدرتیم از تو
 دانش تو در آرد
 غیریک از سبب
 غدا بر سبب
 انچه که الی آخره
 طه نورالمعانی

اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَعِذُّكَ بِقُدْرَتِكَ
 وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ
 وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَالِمُ الْغُيُوبِ ^{۵۴} اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ
 تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ
 وَعَاقِبَةِ أَمْرِي فَقَدِّهِ لِي وَيَسِّرْهُ لِي وَسَهِّلْهُ لِي
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ شَرٌّ لِي فِي
 دِينِي أَوْ دُنْيَايَ أَوْ عَاقِبَةِ أَمْرِي فَاصْرِفْهُ
 عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ
 كُنْتُ وَأَصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ
 كُنْتُ كَانَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ
 وَعَاقِبَةِ أَمْرِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ
 وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كُنْتُ وَأَصْرِفْنِي عَنْهُ
 وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كُنْتُ

تو بر من در سوال
 بجز سبب قار و برون
 طلب قدرتیم از تو
 دانش تو در آرد
 غیریک از سبب
 غدا بر سبب
 انچه که الی آخره
 طه نورالمعانی

من
 کرم در فضل زکات
 تو بر من در سوال
 بجز سبب قار و برون
 طلب قدرتیم از تو
 دانش تو در آرد
 غیریک از سبب
 غدا بر سبب
 انچه که الی آخره
 طه نورالمعانی

کرم در فضل زکات
 تو بر من در سوال
 بجز سبب قار و برون
 طلب قدرتیم از تو
 دانش تو در آرد
 غیریک از سبب
 غدا بر سبب
 انچه که الی آخره
 طه نورالمعانی

ده بار و بعد سجده دوم نشسته و در بار پس در هر رکعت هفتاد و پنج بار و در چهار رکعت صد بار بخواند اگر مقید و داشته باشد این نماز هر روز بخواند باشد و اگر نه و نهفته یک بار و الا و را بی یک بار و الا و سالی یک بار و الا در تمام عمر بیاید و بهتر است که چهار رکعت از مساجد چهار سوره خواند و سجده بفت سو. دست سوره نبی اسرا و تحمید و تحشر و هفت و نیم و غنای این و اعلی نماز کسوف چون آفتاب کسوف کند یا غروب است که امام جمعه دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعت پنج رکوع از مثل دیگر نمازها و قرائت بسیار و از خواندن و سجده و نزو صاحبین چه بقرائت کند و بعد از آن اگر مشغول باشد تا که آفتاب روشن شود و اگر جامع نباشد تا غروب و گاهی یا چهار گانه مجتهد و خسوف ماه و غلغله و شدت باد و زلزله و مانند آن

[illegible]

و من بعد از این که با او در میان خود
آوردند و از او پرسیدند که آیا
درین خانه ای هست که در آنجا
باید رفت و یا نه؟

طلب باران برای استغاثه گاهی رسول الله صلی الله علیه وسلم
 فقط و عافرموده و گاهی در خطبه جمعه و عاکرده و عمر بنی الله عنه
 برزی استغاثه برآید و استغاثه نموده و پس و لهذا نزد امام اعظم ح
 در استغاثه نماز سنت مکه نهیت بلکه گفته که استغاثه عا و استغاثه
 است و اگر نماز گزار از نهیتها تنها جائز است لیکن از نه
 صلی الله علیه وسلم بروایت صحیح در استغاثه نماز بجاعت ثابت
 شده و لهذا ابی یوسف و محمد و اکثر علما گفته اند که امام همراه
 جماعت سلیمین صلی بر آید و کفار همراه نباشد و امام با جماعت
 دو گانه نماز گزار و قرائت بجهر خواند و بعد نماز شعیب و خطبه
 خواند و استغاثه کند و دعای استغاثه با دعیه ماثوره بخواند اللَّهُمَّ اسْقِنَا
 غَيْثًا مَرِيًّا مَعْنَانَا فَعَا غَيْرَ صَائِرٍ عَاجِلٍ غَيْرِ آجِلٍ
 سَائِلٍ مُّجَرِّعِ الْغَبَاتِ اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ وَبَعْدَ آتَاكَ
 وَأَنْزِلْ رَحْمَتَكَ وَاجْعَلْ بِلَدِكَ الْيَمِينَ وَخُذْكَ

در خطبه جمعه و عاکرده و عمر بنی الله عنه
 برزی استغاثه برآید و استغاثه نموده و پس و لهذا نزد امام اعظم ح
 در استغاثه نماز سنت مکه نهیت بلکه گفته که استغاثه عا و استغاثه
 است و اگر نماز گزار از نهیتها تنها جائز است لیکن از نه
 صلی الله علیه وسلم بروایت صحیح در استغاثه نماز بجاعت ثابت
 شده و لهذا ابی یوسف و محمد و اکثر علما گفته اند که امام همراه
 جماعت سلیمین صلی بر آید و کفار همراه نباشد و امام با جماعت
 دو گانه نماز گزار و قرائت بجهر خواند و بعد نماز شعیب و خطبه
 خواند و استغاثه کند و دعای استغاثه با دعیه ماثوره بخواند اللَّهُمَّ اسْقِنَا
 غَيْثًا مَرِيًّا مَعْنَانَا فَعَا غَيْرَ صَائِرٍ عَاجِلٍ غَيْرِ آجِلٍ
 سَائِلٍ مُّجَرِّعِ الْغَبَاتِ اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ وَبَعْدَ آتَاكَ
 وَأَنْزِلْ رَحْمَتَكَ وَاجْعَلْ بِلَدِكَ الْيَمِينَ وَخُذْكَ

در خطبه جمعه و عاکرده و عمر بنی الله عنه
 برزی استغاثه برآید و استغاثه نموده و پس و لهذا نزد امام اعظم ح
 در استغاثه نماز سنت مکه نهیت بلکه گفته که استغاثه عا و استغاثه
 است و اگر نماز گزار از نهیتها تنها جائز است لیکن از نه
 صلی الله علیه وسلم بروایت صحیح در استغاثه نماز بجاعت ثابت
 شده و لهذا ابی یوسف و محمد و اکثر علما گفته اند که امام همراه
 جماعت سلیمین صلی بر آید و کفار همراه نباشد و امام با جماعت
 دو گانه نماز گزار و قرائت بجهر خواند و بعد نماز شعیب و خطبه
 خواند و استغاثه کند و دعای استغاثه با دعیه ماثوره بخواند اللَّهُمَّ اسْقِنَا
 غَيْثًا مَرِيًّا مَعْنَانَا فَعَا غَيْرَ صَائِرٍ عَاجِلٍ غَيْرِ آجِلٍ
 سَائِلٍ مُّجَرِّعِ الْغَبَاتِ اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ وَبَعْدَ آتَاكَ
 وَأَنْزِلْ رَحْمَتَكَ وَاجْعَلْ بِلَدِكَ الْيَمِينَ وَخُذْكَ

۱۶
کتابخانه

کتابخانه ملی افغانستان

مستطاب

۱۰۰

نہایت پرستش و تعظیم کے ساتھ

مجلس شورای اسلامی

وہی ہے جو ہمیں دیکھ کر کہتا ہے کہ یہ تو میری ہی تصویر ہے۔

111

تغایب مفتی

بندول احکام ترک قنات و رکعات نوافل چهارگانه غیر متوکل
ق علامت قنات رخ علامت خالی بودن رکعت اذان

کریک اول	کریک دوم	کریک سوم	کریک چهارم	بیان لزوم قضای رکعات
۱	خ	خ	خ	اولین نزد طرفین هر چهار نزد ابی یوسف برچ
۲	خ	خ	ق	اولین نزد طرفین بر چهار نزد ابی یوسف ج
۳	خ	خ	خ	اولین نزد طرفین هر چهار نزد ابی یوسف ج
۴	ق	ق	خ	آخرین بالاجماع
۵	خ	خ	ق	اولین بالاجماع
۶	خ	ق	ق	اولین بالاجماع
۷	ق	خ	ق	اولین بالاجماع
۸	ق	ق	خ	آخرین بالاجماع
۹	ق	ق	ق	آخرین بالاجماع

در این صورت بایستی که آن قصاصی را در حدیث باطله از آنکه از خود میگوید

۱۰	ق	خ	خ	خ	هر چهار نزد شیخین اولین نزد امام محمد
۱۱	ق	خ	خ	خ	هر چهار نزد شیخین اولین نزد امام محمد
۱۲	ق	خ	ق	خ	هر چهار نزد شیخین اولین نزد امام محمد
۱۳	خ	ق	خ	ق	هر چهار نزد شیخین اولین نزد امام محمد
۱۴	ق	خ	خ	خ	هر چهار نزد شیخین اولین نزد امام محمد
۱۵	خ	ق	ق	خ	هر چهار نزد شیخین اولین نزد امام محمد

درین مدیریت هاشمیش گانه قضای چهار رکت باید گذرانی در مکتب و تالیفیه الفتوی

(Faint handwritten Persian text from another manuscript page)

(Handwritten notes at the bottom of the page)

من قولی بام و امیران قول
 محمد اند گفت
 که بایوست
 باری و دست و اندام
 را بشتریک نمودم
 غمگنده بایوست
 زرق و جبین
 بام غم احمد
 سینه شود نو
 غمگنه شادی
 صد از ان هر دو

قول امام محمد رحمه الله را اینچه که در آنست
 بایوست
 باری و دست و اندام
 را بشتریک نمودم
 غمگنده بایوست
 زرق و جبین
 بام غم احمد
 سینه شود نو
 غمگنه شادی
 صد از ان هر دو

من قولی بام و امیران قول
 محمد اند گفت
 که بایوست
 باری و دست و اندام
 را بشتریک نمودم
 غمگنده بایوست
 زرق و جبین
 بام غم احمد
 سینه شود نو
 غمگنه شادی
 صد از ان هر دو

بام و امیران قول
 محمد اند گفت
 که بایوست
 باری و دست و اندام
 را بشتریک نمودم
 غمگنده بایوست
 زرق و جبین
 بام غم احمد
 سینه شود نو
 غمگنه شادی
 صد از ان هر دو

بلکه سجده سهو لازم آید اگر چه او ترک کرده مسئله اگر نذر کرده
که فردا نماز نفل گزارم یا روزه دارم پس حائضه شد قضا
لازم آید مسئله نفل نشسته خواندن بی عذر با وجود قدرت بر
قیام جائز است لیکن نشسته بی عذر خواندن ثواب یک و چهار
واستاده خواندن دو درجه و اگر استاده شروع کرده نشسته
تمام کرده هم جائز است لیکن با که است که بعد از ماندگی و هم جائز
است بسبب ماندگی تکیه بر دیوار کردن و نفل مسئله نفل
نزارون برپا یا نشاندن خارج مصر جائز است با شاره
بر کوع و سجود کند بهر شکوه رو کند مرکوب او سنان اگر شروع
کرد برپا پس بر زمین آمد جان نماز بار کوع و سجود تمام کند
نزد ابی یوسف رحمه الله نماز نسیه گیرد و اگر بر زمین نماز
شروع کرد پسر سوار شد نمازش با اتفاق باطل شد بنا مند
صل سجود تلاوت واجب شود بر کسی که آیت سجده بخواند

[illegible]

یا بشنود و اگر چه قصد شنیدن نکرده باشد مسلمة از خواندن
امام اگر چه آهسته خواند بر مقتدی سجده واجب شود و از خواندن
مقتدی بر کسی واجب نشود مگر بر کسی که خارج نماز باشد و از شنیدن
و همچنین کسی که در رکوع یا سجود یا قومه یا جلسه یا سجده خوانده باشد
مسلمة اگر کسی خارج نماز آیه سجده خوانده مصلی بشنید بعد
نماز سجده کند و اگر در نماز آن سجده کند روا نباشد لیکن نماز
باطل نشود مسلمة اگر امام آیه سجده خواند و کسی خارج نماز
آن را بشنید پس تر با آن امام اقتدا کرد اگر پیش از سجده کردن
امام اقتدا کرد و همراه امام سجده کند و اگر بعد سجده کردن
امام و در همان رکعت داخل شد اصلا سجده نکند و اگر در رکعت دیگر
داخل شد بعد نماز سجده کند مانند کسی که اقتدا نکرده مسلمة
سجده تلاوت که در نماز واجب شده بعد نماز قضا نشود مسلمة اگر
کسی آیه سجده خارج نماز خواند و سجده نکرده پس در نماز شروع کرد

[illegible]

ایست بند و دوازده چرخ دارد
پس ثقلان طویل و قزاق
خوندار و ماه و جان نایت
بچه و هم رنج و دیو و جیب
لبش و راه و مالک و مسلمان
که بطنی است و بچه و خاوند
مجد و و اوش و دیو و چرخ

۶۹

همراه داشتن سبب است و در وقت غلبه طین موت و هبست ار حشیت که هر
 هر روز بیت ترتیب موت را یاد کند در جبه شهادت یا به سلسله چون سلسله
 مشرف برگ شود و تحقیق شهادتین کرده شود و سوره نیس بر سرش
 خوانده شود و چون بمیرد و بدن چشم او پوشیده شود و در دفن او
 شتابی کرده شود و سلسله چون غسل داده شود و تخته را به خود سوزند با
 بتخته کند و مده را برهنه کرده عورت او پوشیده پروی بیارود
 نجاست تحقیقی پاک کرده بی آنکه آب روغن و مینی او کرده شود و وضو
 کنایده بایک در آن اندکی برگ کنایا مانند آن جوش داده باشد
 غسل داده شود و مومی ریش و مومی سر او را بگل خیره و مانند آن
 بشوید اول بر پهلوی چپ غلطانیده پستر بر پهلوی راست غلطانیده
 بشوید تا که آب روان شود و تکیه داده شکم او را آهسته بجا آید
 چیزی بر آید پاک کند و عاده غسل ضر و نیست پستر از پارچه شکسته
 خوشبو بر سر و ریش و کافور بر اعضا می سجد و او باله و کفن پوشانند

[illegible]

مسنون است چنان کرده که
بکفن با پا در لافافه
بدرز و در استیلا
مسنون است چنان کرده که
بکفن با پا در لافافه
بدرز و در استیلا

هر دو راسه پارچه مسنونست بقول ابی حنیفه ریح کی کفنی تانصت
ساق و دو چادر از ستر تا قدم و در حدیث صحیح آمده که بنی صلعم را و
سته چادر کفن داده شد قمیص در آن نبود و دستا بستن بدعت است
و اگر سته پارچه میسر نشود و پارچه کفن کفایت است و حمزه رضی الله عنه
را در یک چادر دفن کرده شد که اگر سر می پوشید یا برهنه می شد
و اگر پامپوشید از جانب سر کو تا هی میگرد آخر بحکم آن سر و علیه السلام
از جانب سر کشید نه بر پا گپاده انداختند وزن را و پارچه زیاده داده شود
یعنی دهنی که موی سر بر آن چپیده بر سینه نبند و یکی سینه بند و غل
تا زانو و اگر میسر نشود سه پارچه کفن کفایت است و عند الضرورة
هر چه بچم رسد مسئله مرده مسلمان غسل و کفن و اوان و نماز
جنازه خواندن و دفن کردن فرض کفایت است و بدون
غسل و کفن نماز جنازه صحیح نیست مسئله برای امامت نماز جنازه
یا و شاد اولی است پسر قاضی پیر ... مسئله پسر و امیت

از این جهت است که اگر آن را در لافافه
بدرز و در استیلا
مسنون است چنان کرده که
بکفن با پا در لافافه
بدرز و در استیلا
از این جهت است که اگر آن را در لافافه
بدرز و در استیلا
مسنون است چنان کرده که
بکفن با پا در لافافه
بدرز و در استیلا

مسنون است چنان کرده که
بکفن با پا در لافافه
بدرز و در استیلا
مسنون است چنان کرده که
بکفن با پا در لافافه
بدرز و در استیلا

اقریب پس اقریب لیکن بدست برامی امامت از پیشش انصاف
مسئله نماز چهار رکعت بعد تکبیر اولی سبک است
آخر خواندن امام اعظم ع شوره فاتحه خواندن در نماز چهار
رکعت و اگر تکبیر اولی که فاتحه هم بخواند بعد تکبیر
دوم برود به پیش علی علیه السلام و سلام خواند و بعد
سبک و حقیقت سلام آن و نماز بعد از آن تکبیر
اولی آخر و در چهار رکعت بنحوی که امام
السلام اجمله لنا اجرا و ذرنا السلام جعله لنا
و بعد تکبیر چهارم سلام گوید مسئله هر که بعد تکبیر امام حاضر
شود و سلام گوید امام تکبیر را اگر گوید چهار رکعت بگیرد
نماز شود و بعد سلام امام تکبیرت اول که فوت شده و قضا کند
و نزدانی پوست انتظار تکبیر دیگر امام ضرورتی مانند کسی
وقت تحریم امام حاضر باشد و چهار امام تکبیر تحریم گفت و نماز بنها

[illegible][illegible]

یا بر مال خود و اگر سوای شوهر دیگری از اقربای زن فوت شود
سه روز ماتم کردن جائز است و زیاده از سه روز حرام است ^{سنة}
غم کردن بدل و گریستن از چشم مجزیه جائز است و آواز بلند کردن
در گریه و نوحه کردن و گریان چاک کردن و بر سر و روی دست
زدن حرام است اکثر احادیث صحاح و دلالت دارند بر آنکه میت
به سبب نوحه کردن اهل او عذاب کرده میشود و درین باب
علماء اقوال مختلف اند و مختار نزد فقیر آنست که اگر مرده در حال
حیات خود بنوحه عادت داشته باشد یا بدان وصیت کرده
باشد یا بدان راضی باشد یا مید آنست که اهل من بر من نوحه
خواهند کرد و آنها را از آن منع نکرد و درین صورتهایست عذاب
گرفته شود بنوحه اهل او و الا عذاب نگرفته شود مستلزم آنست
آنست که در مصیبت انا لله و انا الیه رجوع و ید و صبر کند
مستلزم طعام فرستادن برای اهل میت و در مصیبت نیست

[illegible]

۴۶
سطح تدریس زبان عربی
آه و زیادت و بطور
مستحسن و شیوایی
که تدریس قرآن مجید
علیکم السلام
از خدیجه بگوید
تدریس زبان فارسی
بجای اسرار و
مخفیات از حق تعالی
طلب

فصل زیارت قبور مردان رحبائست نه زمان راوت
 آنست که در مقابل رفته السلام علیکم یا اهل القبور
 مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ أَنْتُمْ لَنَا سَلَفٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبِيعٌ
 وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِلْآخِرُونَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ الْمُسْتَقْدِينَ
 مِتْنَاوَالْمُسْتَخِرِينَ أَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ يَغْفِرُ اللَّهُ
 لَنَا وَلَكُمْ مِنْ حَمْنِ اللَّهِ وَإِيَّاكُمْ أَرْسِلَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى
 تَرْجَمِ اللَّهِ وَجْهَ مَرُومِي است از پیغمبر علیه الصلوة والسلام که
 هر که بر مقابل گذر و قل هو الله احد باز ده بار خوانده به
 مردگان به بخشید موافق شمسار مردگان او را هم ثواب داد
 شود و از ابی هریریه مروی است مرفوعا هر که فاتحه و اخلاص
 سوره تکوین بخواند برای مردگان ثواب آن گرداند مردگان
 بی ای او شفع باشند و از انس مرویت مرفوعا که هر که سوره یس
 در مقابل بخواند آنها را تخفیف کند حق تعالی و این را ثواب

[illegible]

پروودو دین خود را با رسول الله صلی الله علیه و آله و جمعه داشته در خود است و داشته پرستیده ایم زیارت چهار روز بود و شش است و فضل

۴ منتهی به چچ چچ چچ چچ چچ

مسئله اگر بعد ملک نصاب پیش از تمام سال زکوة یکسال یا زکوة
چند سال پیشگی ادا کرد او شود مسئله اگر مالک یک نصاب که چندی
نصاب او و بعد ادا می زکوة مذکور مالک چند نصاب شد تا هم ادا
جائز باشد مسئله زکوة در مال صبی و مجنون واجب نشود نزد ابی حنیفه
و نزد ائمه ثلثه واجب شود و والی از طرف او ادا کند مسئله در ارض
یعنی مالی که گرم شده باشد یا در دریا افتاده باشد یا کسی غصب کرده
باشد و بر آن شهود نباشد یا در صحرا مدفون بود و مکانش
فراموش شده باشد یا دین باشد بر کسی و دیون منکر باشد شهود
بر آن نباشد یا بادشاه یا مانند آن یعنی کسی که فریاد او نزد
دیگری ممکن نباشد بمصادره گرفته باشند درین چنین مال
زکوة واجب نیست و اگر این مال باز بدست آید بابت ایام گذشته
زکوة واجب نشود و اگر دین باشد بر مقرر اگر چه مفلس باشد
یا بر آن دین شهود باشد یا در علم قاضی باشد یا در خانه

باید بود
نصاب ملک در سال
کودانی اما اگر بیهوش باشد
من هیچ مسئله نزد ابی
کسی غصب کرده باشد
و غصب سار که در آن
زکوة نیست اگر چه غصب
شود باشد اگر دین اجاب
مسئله زکوة در ارض
مالی یا باقیات و غصب
در اگر فراموش شده باشد
واجب نشود و هیچ نیست
که در غصب شده که دین کافی
و اگر دین بر منکر بود
گواهی هم نیست بعد از
مالی شد بیهوش دیون
و در دین مردم است
که زکوة در چنین نیست
که دینانی چنین نیست
مسئله چنین

محل اقامت باشد از غیر ملک است مقدر

تا که آنرا نفروشد مستلمه مال تجارت را بزرگایم در آنچه نفع قمار
 باشد قیمت کرده شود پس اگر بمقدار نصاب یکی از هر دو جنب
 رسد چه لم حصه آن در زکوة ادا کند قسم سوم از مال نامی شوند
 یعنی شتران و گاو و بزها مخلوط نزد ماده که اکثر سال بر چیدن
 در صحرا کفایت کنند و همچنین گله اسپان و تفصیل نصاب جناس
 سوا تخم و قدر واجب آن حول دارد و ورین و یار این احوال
 و جوب زکوة نمی باشد پس اسائل زکوة آن مذکور کرده شده
 همچنین احکام عشرین عشری که درین و یار نیست مسائل ششم
 که بر طرق و شوارع باشد مذکور که ده شده است اگر مسلمانی یا ذی
 کافی از زیر یا نقره یا آتین یا مس یا مانند آن در صحرا یافت پنجم
 حصه از آن گرفته شود و چهار حصه یا بنده رست اگر زمین ملک
 کسی نیست و اگر ملک است چهار حصه مالک رست و اگر در خانه
 خود یافت نزد امام عظم در آن خمس واجب نیست و نزد حاکمین

و اگر از آن مال تجارت در آنچه نفع قمار باشد قیمت کرده شود پس اگر بمقدار نصاب یکی از هر دو جنب رسد چه لم حصه آن در زکوة ادا کند قسم سوم از مال نامی شوند یعنی شتران و گاو و بزها مخلوط نزد ماده که اکثر سال بر چیدن در صحرا کفایت کنند و همچنین گله اسپان و تفصیل نصاب جناس سوا تخم و قدر واجب آن حول دارد و ورین و یار این احوال و جوب زکوة نمی باشد پس اسائل زکوة آن مذکور کرده شده همچنین احکام عشرین عشری که درین و یار نیست مسائل ششم که بر طرق و شوارع باشد مذکور که ده شده است اگر مسلمانی یا ذی کافی از زیر یا نقره یا آتین یا مس یا مانند آن در صحرا یافت پنجم حصه از آن گرفته شود و چهار حصه یا بنده رست اگر زمین ملک کسی نیست و اگر ملک است چهار حصه مالک رست و اگر در خانه خود یافت نزد امام عظم در آن خمس واجب نیست و نزد حاکمین

و اگر از آن مال تجارت در آنچه نفع قمار باشد قیمت کرده شود پس اگر بمقدار نصاب یکی از هر دو جنب رسد چه لم حصه آن در زکوة ادا کند قسم سوم از مال نامی شوند یعنی شتران و گاو و بزها مخلوط نزد ماده که اکثر سال بر چیدن در صحرا کفایت کنند و همچنین گله اسپان و تفصیل نصاب جناس سوا تخم و قدر واجب آن حول دارد و ورین و یار این احوال و جوب زکوة نمی باشد پس اسائل زکوة آن مذکور کرده شده همچنین احکام عشرین عشری که درین و یار نیست مسائل ششم که بر طرق و شوارع باشد مذکور که ده شده است اگر مسلمانی یا ذی کافی از زیر یا نقره یا آتین یا مس یا مانند آن در صحرا یافت پنجم حصه از آن گرفته شود و چهار حصه یا بنده رست اگر زمین ملک کسی نیست و اگر ملک است چهار حصه مالک رست و اگر در خانه خود یافت نزد امام عظم در آن خمس واجب نیست و نزد حاکمین

۱۰۱
طعن و تخریب
شماره پنجم
نوروز اول
پست کربلا
نورالمنیر
بازار قافله
در حبس شود
کرمانی جامع الزم
طعن مستقیم
شیخ سید زرار
شیخ سید زرار

نزد امام عظیم کفارت واجب نشود و نزد صاحبین واجب شود اگر
(روزه را فراموش کرد و در حالت فراموشی طعام یا آب بخورد یا چای)
گردد روزه فاسد نشود و قضا واجب گردد همچنین احتلام و انزال منظر
شبهت روغن بر بدن یا لیدن و سرمه در چشم کشیدن غیبت کسی کردن
و حجامت کردن و مقصدی آمدن اگر چه کثیر باشد و بقصدی اندک
گردد و آب رگوش چکانیدن روزه را فاسد نمکند و اگر ذکر و غنیمت
یا چیزی دیگر چکانند نزد امام عظیم روزه فاسد نشود و نزد ابی یوسف
فاسد شود و اگر با زن مرده یا چهار پایه یا در غیر بیلین جماع کرد
یا زن را بوسه کرد یا سبیه شت کرده اگر انزال شد روزه فاسد شود
و الا فاسد نشود اگر در دندان چیزی از طعام باقی مانده و آن را
از دست برآورده خورد و روزه فاسد شود و کفارت واجب نشود اگر
از نوک زبان برآورده خورد و اگر مقدار نخود باشد قضا واجب شود
و اگر از نخود کمتر باشد روزه فاسد نشود اگر دانه چند در دهان خفته

دیدار
 اگر سید اکر تو نیست
 بادی دشوار نیست
 یاد تو دایم است که در دست دار
 غنیمت است جانم که در دست دار
 نهانده ام عالمی بی حقیقت
 چون بالبدان در چنین بی سحران
 خواجه کیست نه خواجه و صبح شام
 تو یکیشانی بی شکم که در دست
 فانیان است که در دست
 اندک کردن فانیان شود و در دست
 نزد تو هم فانیان شود و در دست
 فی ایمان است که در دست
 آفریده در قیل و نال
 است که در فانیان
 درین چنینی که در فانیان
 درین حکم که در فانیان
 یعنی حق و آن که در دست
 رسول الله صلی الله علیه و آله
 از طوبی

مستحقاً
جامع الزوائد
الدر الخصاره
والا انه ما كوفي
است ان من يشهد
بما حق عليه من
بري فليست له حرمه
فمن يني بارادها
في كل شيء
كذلك هو

یابسته ناسرا گفتن روزه را فاسد نمی کند لیکن سخت کرده است
و نرزد او را غی روزه او فاسد شود رسول فرمود صلی الله علیه و
آله وسلم هر که ترک نکرد سخن دروغ و عمل معصیت پس حق تعالی
محتاج روزه او نیست یعنی روزه او مقبول نیست مستل
اگر شش طعام بخورد یا جماع می کند فجب طلوع کرد و مجبور
طلوع فجر طعام از دمان انداخت و ذکر از جماع بر کشید نزد جمیع
روزه او صحیح باشد و نرزد مالک باطل شود مستل مریضی که
بصوم خود زیادت مرض داشته باشد و مسافر که بالاعتسیر
آن گفته شد آنها را افطار جائز است پس اگر مسافر را روزه
مضر نباشد بهتر آن است که روزه دارد و اگر مسافر در جوار باشد
یا روزه او را مضر باشد او را افطار بهتر است و اگر بهلاکت
رساند افطار واجب است از روزه عاصی شود و مریض
و مسافر که افطار کرده بود اگر در حالت بهمان مرض

نیز که در غفلت
بسیار ترک شود
شده است هرگاه
غفلتی در غفلت
سست گردد
بسیار گریه یا
تشنه بیدار شود
مسافر که فاسد
باشد افطار دارد
کنده و فاسد
بالا بد منه
کوفت و کوفت روزه
نوت اعلاست که اشتباه باشد دین
عادت مسلم توان کرد که اگر کسی
مستل شخصی اگر روزی بیدار
دعا یا بیاده خواندن نمی تواند کرد
روزه نمی دارد و نمی تواند پس باید که
نقض او شود و ۱۲ قاضی خان
تواریکات و فاضلانی آنچه بود که
یافته و شفای

فردا که در این
در این روز
جمع بخورد
فردا که در این
نقض او شود
تواریکات و فاضلانی
یافته و شفای

محرمات حلال شود بلکه فرض شود خوردن آن نزد امام عظیم
 اگر نخورد و بپزد و آثم شود لیکن بقدر سد رتی خورد شکم سیر شود و نزد
 ابی حنیفه و در قوی از شافعی و احمد ح و نزد مالک شکم سیر خود
 و در این چنین حالت اگر مال غنیمت مقدار صد رتی خورد و نیت ادری
 قیمت آن روا باشد لیکن اگر احتیاط کرد و بمبرد و با جوش و آثم نشود
 مسئله دو خوردن در بیماری جائز است و جب نیست اگر در
 تنور و بمبرد و آثم نشود مسئله خوردن انواع نوا که و طعمه نگیرد
 جائز است لیکن براف دران و افراط نمودن آن حرام است
 استعمال طه و طلا و نقره بر آن حرام است مسئله
 شراب انگوری از آب خام انگور که مسکثر شود و کف آن از دست
 نبجاست غلیظه و حرام است قطعی شراب که کافه باشد
 شرابی که از خرمای تر سازند یا از کشمش که کف نشود و کف آن رو
 و طلا که آب انگور بریزند چون کمتر از دو مثقال خشک شود و بگذاردند

و متعلق است
 استخوان و سن و استخوان
 است و بعضی از آن است
 که خوردن آن حرام است
 عیناً از دست و پا و
 خوردن آن حرام است
 و در این حالت اگر مال
 غنیمت مقدار صد رتی
 خورد و نیت ادری
 قیمت آن روا باشد
 لیکن اگر احتیاط کرد
 و بمبرد و با جوش و
 آثم نشود مسئله
 خوردن انواع نوا که
 و طعمه نگیرد جائز
 است لیکن براف دران
 و افراط نمودن آن
 حرام است استعمال
 طلا و نقره بر آن
 حرام است شراب
 انگوری از آب خام
 انگور که مسکثر شود
 و کف آن از دست
 نبجاست غلیظه و
 حرام است قطعی
 شراب که کافه
 باشد شرابی که
 از خرمای تر سازند
 یا از کشمش که
 کف نشود و کف
 آن رو و طلا که
 آب انگور بریزند
 چون کمتر از دو
 مثقال خشک شود
 و بگذاردند

و در این حالت اگر مال غنیمت مقدار صد رتی خورد و نیت ادری قیمت آن روا باشد لیکن اگر احتیاط کرد و بمبرد و با جوش و آثم نشود مسئله خوردن انواع نوا که و طعمه نگیرد جائز است لیکن براف دران و افراط نمودن آن حرام است استعمال طلا و نقره بر آن حرام است شراب انگوری از آب خام انگور که مسکثر شود و کف آن از دست نبجاست غلیظه و حرام است قطعی شراب که کافه باشد شرابی که از خرمای تر سازند یا از کشمش که کف نشود و کف آن رو و طلا که آب انگور بریزند چون کمتر از دو مثقال خشک شود و بگذاردند

و آخرش الحمد لله و اول و آخر دست بشوید و آب بسته کرت بشوید
هر بار بسم الله و الحمد لله گوید مسئله شیر آب پنبه بکوبد و بول ناکول
حرام است مسئله گوشت که از مسلمان یا کتابی خریده شود حلال است
و آنکه از بت پرست خریده شود حرام است مسئله بر قبول
هدیه قول عبد و امته و طفل مقبول است مسئله اگر عادل
بطهارت یا نجاست آب خبر دهد قبول کرده شود و اگر فاسق
یا مستور الحال نجاست آب خبر دهد تحریمی کند و بغالب ای
عمل کند پستتر اگر در غلبه ظن صادق و اندک آب را ریخته تیمم کند و اگر
در غلبه ظن کاذب و اندک وضو و تیمم هر دو اگر کند بهتر باشد و الا
وضو کند مسئله از بنده تاجر قبول ضیافت جائز باشد و
گرفتن پارچه یا زرقه یا غلبه بدون اجازت مولی جائز نیست
مسئله قبول ضیافت و هدیه از امرای ظالم وزن رفق
و مغنیه و ناسخه که اکثر مال او از حرام باشد جائز نیست

۱۲ اگر ازانی الدار اختیار در تلافی بخان
 گوید که شتر یک ماه و دوازده روز
 و گویند داده و در زندگانه و در
 علف و در حرام است الی آخر اگر
 نباشد که در علف کنند آن سبب است
 مستلزم اگر در علف و در حرام است
 از سبب آن بی خریدیم حلال است
 اگر گوید که از علف و در حرام است
 در اگر ازانی الدار اختیار در تلافی
 دهد و دیگر بخواهد آن پس بخواهد
 که در علف و در حرام است
 اگر ازانی الدار اختیار در تلافی
 دهنده در معاملات بتقول است
 گویند که گفتن کس را یکی بی فزون
 چه نموده است و در دیانات که باین
 بنده و خدا باشد عداوت شرع است
 شایسته این آب و خاک است
 الدار اختیار در تلافی

[illegible]

تاریخ روز و سال و ماه
روز و ماه و سال

مقامات و
مقامات و

است زیرا که آن و

الحمد لله رب العالمين

پہا کدانی اعلیٰ

سید محمد رفیع کمالی

۱۰۰

چھٹا باب

یعنی اعتبار رکھنا

میں نے

...

5

Figure 6

14

مجلس

تاریخ و قریب

تبعہ اختیار کرنے

محکم دلائل سے مزین متنوع و منفرد موضوعات پر مشتمل مفت آن لائن مکتبہ

چشم لک شد

[illegible]

۱۰۰

سید محمد رفیع

مجلس شورای اسلامی

حقیق کانی

کونانی عالمی

مجلس

احمد علی خان

است و بعد از آن

شیان ترور زمانه
بیخبران

ان ترمز و نمائین عبارت

مقامات و سالانہ

توفیق حاصل ہو

۱۱۸

۱۱۸
فصل

11

علم مردم است مسئله غزل از منکوحه حره یعنی منی بیرون
انداختن تا علوق نشود بی اذن او جائز نیست و اگر منکوحه
غیر منکوحه او باشد بغیر اذن سید او جائز نیست و از منکوحه خود
بی اذن جائز است مسئله اگر کسی کنیز را بشرا یا هبه یا ارث یا مانند
آن مالک شد و طی آن جائز نیست و نه دواعی و طی تا که در ملک
او یک حیض کامل یافته شود و اگر صغیره یا آنسه باشد بعد یکماه
و طی جائز است مسئله اگر دو کنیز در ملک کسی باشند
که بمکاح آن هر دو جمع نتوان کرد آنکس اگر بایکی و طی کرد دیگر
بروی حرام باشد تا که آنرا از ملک خود خارج کند یا نکاح
کرده و بدفصل در کسب و تجارت و آجاره در حدیث آمده که طلب
حلال فرض است بعد فرائض و بهترین کسب عمل دست خود است
و او و علیه السلام عمل از دست خود میکرد و میخورد و زره میبخت
و دیگر بیع بسر و بهتر است یعنی بیع که پاک باشد از فساد و کره است

زنگنه و قنوجی

کتابخانه عمومی

لازم به ذکر است که

بسم الله الرحمن الرحيم

صلى الله عليه وآله وسلم

卷之四

۱۰۰

جانبی کی طرف

دانشگاه تهران

پیشگی خریداری

خارجی

بیت

مسئله اگر بیع مال نباشد مثل میت یا خون یا حرمی آن باطل
است و همچنین اگر مال باشد لیکن متقوم نباشد مانند پرندۀ در هوا
یا ماهی در دریا و مانند خمر و خوک مسئله مال غیر متقوم اگر عوض
ببلغ فروخته شود بیع باطل گردد و اگر عوض رخت فروخته شود
بیع عوض فاسد باشد و بیع خمر و مانند آن باطل است مسئله از
بیع باطل مشتری مالک نشود و از بیع فاسد بعد قبض مالک نشود
لیکن فسخ آن واجب است مسئله بیع شیر در پستان باطل است
که مشکوک الوجود است احتمال است که صحیح باشد مسئله بیع
که انجام آن بمناعت کشد فاسد است چنانچه بیع شرم بر پشت
گوسپند یا چوب در سقف یا کت ذراع در پارچه یا باطل مجهول است
اگر مشتری فسخ نکند و چوب از سقف جدا کرد و ذراع از ثوب
یا ابل بر مشتری ساقط کرد بیع صحیح و لازم شد مسئله بیع
بشرط فاسد فاسد است و بشرط فاسد آنست که مقتضای عقد

۱- قتل و زانی و دزدی
۲- قتل و زانی و دزدی
۳- قتل و زانی و دزدی
۴- قتل و زانی و دزدی
۵- قتل و زانی و دزدی
۶- قتل و زانی و دزدی
۷- قتل و زانی و دزدی
۸- قتل و زانی و دزدی
۹- قتل و زانی و دزدی
۱۰- قتل و زانی و دزدی

[illegible]

نایب خواہد گفت و ما را
خواہد تا دوششمی
پس در موقع غلظت
سے شروع و تدریجاً
یہ متصل ہونے لگا
نایب کہ اس کو نایب
نایب دوشمہ پر مشتمل
بالکل است

از مشتری بپنج درم خرید یا آن پارچه را با پارچه دیگر بدو درم خرید این
بیعی صحیح نباشد که در حکم ربو است مسلم بیع منقول پیش از قبض
صحیح نیست اگر کیلی بشرط کیلی خرید و مشتری از بانع کیلی کرده گرفت
پس بترت بگیرد بشرط کیلی فروخت مشتری ثانی را از ان طعام بیع
خوردن یا بدست کسی دیگر فروختن جائز نیست تا که باز کیلی نکند کیلی
اول کافی نیست احتیاطاً برای آنکه مباد چیزی در کیلی زیاده برآید
و مال بائع باز مسلم بخش حرمت بخش نیست که کسی بدو قصد
خرید نمود و را خرید نمود و قیمت بیع زیاده گوید تا کسی دیگر مشتری نگیرد
خوردن حلاله اگر مسلمانی خرید میکند و نرخ شخص میکند یا پیغام
نمی داند و دیگر بر آن آمده پیغام خود دهد این معنی مکرره است تا وقتیکه
معاذ الله بیهوده احوال درست شود یا موقوف ماند مسلم کاروان
غله را اگر کسی از شهر برآید و ملاقات کند و تمام غله را خرید نماید این را بیعی
جائز میداند اگر پیغامی از شهر مضرب است ممنوع باشد و اگر مضرب باشد

[illegible]

شعبه اولیٰ از کتب و اسناد
مجلس شورای ملی
تاریخچه
صالحه ایلیا
کرمزنی الوند
پیشانی المانوه المازشر
اعب نبی الزلزله کبر
شمن ملک کنایه شمس
نویسنده حسن زاهدی

[illegible]

در شهر که برای اهل آن مضر باشد مکروه است و نزد امام ابی یوسف
در هر جنس که ضرر احکام آن بجایه باشد احکام آن ممنوع است
حاکم محکم را امر کند که زیاده از حاجت خود بفروشد مسئله اگر کسی غله
زرعت خود را بید کرد و یا از شهری دیگر خریده آورد و بید کرد و احکام
مسئله بادشاه و حاکم رانج کردن مکروه است مگر وقتی که تقاضا
در گرانی غله بسیار تعدی نمایند در آن صورت بشورت و انایان رنج
من فصل در تفرقات و آداب معاشرت و حقوق الناس و گناهان
مسابقه و تیراندازی یا در دو ایندن اسپان یا شتران یا خزان
یا شتران یا در است و اگر برای پیش رونده چیزی مقرر کرده اگر از یکجا
باشد تجارست و از جانبین حرمت مگر آنکه یک شخص ثالث در میان
باشد گفته شود که اگر یکی بر دو کس پیش رود و بقدربا و داده شود
و اگر دو کس پیش روند و بضرورت از ثالث هیچ گرفته شود و از آن کس
هر کس پیش رود از دیگر گیر و درین صورت این مسابقه این مقرر کردن انعام

[illegible]

六

[illegible]

باز و از آنکه در این باب
باز و از آنکه در این باب
باز و از آنکه در این باب
باز و از آنکه در این باب

جائز است و حلال لیکن آنچه برای پیش رونده مقرر کرده اند جواب
نمیشود و مواخذة آن نمیرسد و همچنین جائز است که امیر مردم شرکا
بگوید که هر که پیش رود اینقدر بوی بد هم و همچنین حکم است در آنکه در علم
در مسئله اختلاف کنند و خواهند که با و ستاد رجوع آرند و برای سکه
حکم او موافق حکم او ستاد افتد چیزی مقرر کنند مسئله و گنیمه کج
سنت است و یک که دعوت کرده شود باید که قبول کند و اگر بپذیرد
قبول نکند تا ششم شود مسئله از طعام دعوت چیزی بخانه خود نیارد
و هم باینکه نپذیرد مگر با بارت مالک و اگر داند که آنجا لهو یا سرور
است حاضر نشود و دعوت قبول نکند و اگر بعد از آن لهو
تمام هر شد اگر قدرت منع دارد منع کند و اگر نه پس اگر تقصیر باشد
یا لهو و مجلس طعام باشد نشیند امام اعظم رج فرموده که بدان
شده پس مبر کردم یعنی پیش از تقصیر شدن مسئله
حرمت است که باز و از آنکه است از ذکر آنکه هیچ شهود است

از کسی که در این باب
از کسی که در این باب
از کسی که در این باب
از کسی که در این باب

مسائل و نیمی
مسائل و نیمی
مسائل و نیمی
مسائل و نیمی

از کسی که در این باب
از کسی که در این باب
از کسی که در این باب
از کسی که در این باب

آنچه خود بخورد بخوراند و آنچه خود بپوشد بپوشاند و بجاری زیاده
 طاقت او امر نفرماید و اگر بجاری شاق امر کند باید که خود هم شریک
 شود مسلم بنده که اندیشه گزینتن او باشد زنجیر در پایی او انداختن جائز
 است مسلم بنده را از خدمت مولی گزینتن حرمت مسلمة ترشیدن پیش
 پیش از قبضه حرمت و چیدن موی سفید از ریش و مانند آن مکروه است
 مسلمة گذاشتن ریش و ترشیدن بلبت و ناخن و موی بغل
 و موی نهانی سنت است مسلمة داخل شدن مردان و زنان و حمام
 جائز است لیکن با پرده و از آن مسلمة امر معروف و نهی منکر واجب است
 از منکرات اگر مقدر و رداشته باشد از دست منع کند و اگر نتواند از پرتاب
 منع کند و اگر نتواند یا سفید نداشتند از زول مکروه دارد و صحبت اهل منکر
 ترک کند اگر انقدر بهم نماند و روبال آنها شریک باشد هم در دنیا و هم
 در آخرت مسلمة حب فی الله و بغض فی الله فرض است مسلمة
 کیسکه همی احسان کند شکر او کردن و مکافات نمودن مستحب است

تورا دوست من کن
 با این که هر که در آید
 است در میان کار
 عداوت و کینه
 است که در آن
 عداوت و کینه
 تورا دوست من کن
 قال علیه السلام
 رای حق را که خیر
 مالا بدین

سائل مشرق
 بالمرورین غیبی خبری تو را در دل
 زینکه که جلال بیستیش فی رب
 درم نگه داری معالی که همه سخن
 بوجه همه گوید مردم تا که میسر شستنی
 باشد که کمال زنی و محبت گوید چه نام
 آنکه صابریم به طاعت تو پاک و فیض حاصل
 بیان باشد همه صداتی تو را خدا
 لم تقدر

و حاکم بنام می فرمود: «
 اباحتی به است
 که از او را در آن فرمود
 و گاهی چنان باشد
 اسرار است
 علم در شرف که
 بقاضی و مفتی و
 علوم که در مامون
 نیست موی را که از
 ماله نظرون بنام می فرمود
 قطعاً می فرمود
 جایی

مرتبه است اگر بکارت کفر است و قریب آن عقاید باطله مرتبه دوم
 آنچه در آن حقوق بندگان تلف شود یعنی ظلم بر خون و مال و آب و
 مسلمانان حق تعالی حقوق خود بخشد و حقوق بندگان نبخشند
 از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم روزی
 منادی از عرش آواز دهد که ای است محمد حق تعالی شما همه مردون
 مومنین رنجشیده با هم حقوق بندگان را بخشید و اصل هشت شود
 حافظ گوید فرمود و بمباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در شریعت
 غیر ازین گناهی نیست یعنی برابرین نیست مرتبه سوم حقوق الله
 خاص مسل آنچه در احادیث بکارت وارد شده بشماریم شرک و
 نافرمانی والدین قتل نفس قسم و روع و شهادت و روع و دشنام
 محصنه و خوردن مال یتیم و خوردن ربوا و اگر ختی از جنگ کفار بکشد
 و قتل فرزند کردن چنانکه کفار و ختران ر قتل میکردند و زنا خصوصاً
 با زن همسایه و سرقه و قطع طریق که محارب با خدا و رسولست و

باید که در این مرتبه حقوق بندگان را بکارت کفر است و قریب آن عقاید باطله مرتبه دوم
 آنچه در آن حقوق بندگان تلف شود یعنی ظلم بر خون و مال و آب و
 مسلمانان حق تعالی حقوق خود بخشد و حقوق بندگان نبخشند
 از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم روزی
 منادی از عرش آواز دهد که ای است محمد حق تعالی شما همه مردون
 مومنین رنجشیده با هم حقوق بندگان را بخشید و اصل هشت شود
 حافظ گوید فرمود و بمباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در شریعت
 غیر ازین گناهی نیست یعنی برابرین نیست مرتبه سوم حقوق الله
 خاص مسل آنچه در احادیث بکارت وارد شده بشماریم شرک و
 نافرمانی والدین قتل نفس قسم و روع و شهادت و روع و دشنام
 محصنه و خوردن مال یتیم و خوردن ربوا و اگر ختی از جنگ کفار بکشد
 و قتل فرزند کردن چنانکه کفار و ختران ر قتل میکردند و زنا خصوصاً
 با زن همسایه و سرقه و قطع طریق که محارب با خدا و رسولست و

باید که در این مرتبه حقوق بندگان را بکارت کفر است و قریب آن عقاید باطله مرتبه دوم
 آنچه در آن حقوق بندگان تلف شود یعنی ظلم بر خون و مال و آب و
 مسلمانان حق تعالی حقوق خود بخشد و حقوق بندگان نبخشند
 از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم روزی
 منادی از عرش آواز دهد که ای است محمد حق تعالی شما همه مردون
 مومنین رنجشیده با هم حقوق بندگان را بخشید و اصل هشت شود
 حافظ گوید فرمود و بمباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در شریعت
 غیر ازین گناهی نیست یعنی برابرین نیست مرتبه سوم حقوق الله
 خاص مسل آنچه در احادیث بکارت وارد شده بشماریم شرک و
 نافرمانی والدین قتل نفس قسم و روع و شهادت و روع و دشنام
 محصنه و خوردن مال یتیم و خوردن ربوا و اگر ختی از جنگ کفار بکشد
 و قتل فرزند کردن چنانکه کفار و ختران ر قتل میکردند و زنا خصوصاً
 با زن همسایه و سرقه و قطع طریق که محارب با خدا و رسولست و

باید که در این مرتبه حقوق بندگان را بکارت کفر است و قریب آن عقاید باطله مرتبه دوم
 آنچه در آن حقوق بندگان تلف شود یعنی ظلم بر خون و مال و آب و
 مسلمانان حق تعالی حقوق خود بخشد و حقوق بندگان نبخشند
 از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم روزی
 منادی از عرش آواز دهد که ای است محمد حق تعالی شما همه مردون
 مومنین رنجشیده با هم حقوق بندگان را بخشید و اصل هشت شود
 حافظ گوید فرمود و بمباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در شریعت
 غیر ازین گناهی نیست یعنی برابرین نیست مرتبه سوم حقوق الله
 خاص مسل آنچه در احادیث بکارت وارد شده بشماریم شرک و
 نافرمانی والدین قتل نفس قسم و روع و شهادت و روع و دشنام
 محصنه و خوردن مال یتیم و خوردن ربوا و اگر ختی از جنگ کفار بکشد
 و قتل فرزند کردن چنانکه کفار و ختران ر قتل میکردند و زنا خصوصاً
 با زن همسایه و سرقه و قطع طریق که محارب با خدا و رسولست و

عبد الغفار بن محمد بن عبد السلام
در مجلس غریبه
باب دوم در بیان
تلاوت کتب
غایب بنظر ابراهیم
الکافور است الکن
وقال علیه السلام
صحیحہ دیر یا غریبہ

در خدمت ایشان پند
در مقامی نشاندن آن شخص بحدت
چو پیرایه می افتد از سر تا سر پیر
و آن فرست که دم است از خود گزین
نیت که از خود بگسل فریاد آورد
که خداوند زار را با من چه دم و کار
بر روی صیقلات چون دلق بیانی
اود از پرورش بوداشت زار بر آفتاب
سلمان شد خواب فرمودید از آن پیش
تا زار را بر این خود را شکسته از سر نو

تجلی

تجلی عید بعد از اساتید شریفان
از نهاد مریدان به نجات گنجیان
تجلی بیست کرد زنده اکتافى التبیان
الحیینه علی قلوبی و در قرآن
ملک آخره اولی به العاتق باله
وصفا صلیب کین الزوال و
على الطاعات التجنب عن العاجل
المعروف عن الانحکاف فی الزلات
و اشوات شرع غفارت و تفرانی
یعنی دل هافست که شکسته
زلات وصفات

و شریعت است و مغز و حقیقت او در خدمت درویشان بایست
و خیال نباید کرد که حقیقت خلاف شریعت است که این سخن جبل و
گفر است بلکه همین شریعت است که در خدمت درویشان چون قلب
از تعلق علمی و حبی که با سوامی الله داشت پاک شود و رزائل نفس
بر طرف گشته تنفس مطمئن شود و اخلاص بهم رساند شریعت در حق او
با مغز نشود نماز او عند الله تعلق دیگر بهم رساند و رکعت او بهتر از
لگ رکعت دیگران باشد و همچنین صوم او و صدقه او رسول فرمود
صلی الله علیه و آله و سلم اگر شماشل ^{چند} زرد راه خدا خرج کنی برابر یک
یا نیم سیر چو نباشد که صحابه و راه خدا داده اند این از جهت قوت
ایمان و اخلاص شائست نور باطن بنمیرد صلی الله علیه و آله و سلم
از سینه درویشان باید جست و بدان نور سینه خود را روشن
باید کرد تا نهیر و شمر بفرستد صحیح دریافت شود ولی در
قرآن متقی را فرموده و در حدیث علامت اولیاء الله فرمود

صدای تنای
باشید برب
اسکان مرا
کنند و باطن
چو نیمه از کائنات
رد و اندیشه
از فردین
در تپ
و شنب

مسئله اگر کسی بدون شهود نکاح کرد و گفت که خدا و رسول خدا را
 گواه کردم یا فرشته را گواه کردم یا فرشته مسئله و از مجمع النوازل
 آورده که اگر گفت که فرشته دست رست و دست چپ را گواه کردم کافی
 نشود اگر چه نکاح صحیح نباشد مسئله اگر جانوری آواز کرد پس گفت
 که بیارمیر و یا غله گران شود یا جانور آواز کرد و از سفر بازگشت در کفر او
 اختلاف است مسئله اگر گفت که خدا میداند که من همیشه پیوسته تریا و
 میکنم بعضی گفته که کافی شود اگر گفت که خدا میداند که منی و شادی تو
 چنانم که منی و شادی خود بعضی گفته که کافی شود بعضی گفته که اگر بر نیکی و
 بدی آنکس بمال و بدن قیام می کند چنانچه بر نیکی و بدی خود کافی نشود
 مسئله اگر گفت که قسم بخدا و یا پی تو کافی شود مسئله اگر گفت که رزق از
 خداست لیکن از بنده بختن خواهد کافی شود مسئله اگر گفت فلانی اگر بی
 باشد بومی ایمان نیارم یا گفت اگر خدا مرا بنماز امر کند نماز نکرارم یا
 گفت اگر قبله باین سو باشد نماز نکرارم کافی شود مسئله اگر

مسئله اگر کسی بدون شهود نکاح کرد و گفت که خدا و رسول خدا را گواه کردم یا فرشته را گواه کردم یا فرشته مسئله و از مجمع النوازل آورده که اگر گفت که فرشته دست رست و دست چپ را گواه کردم کافی نشود اگر چه نکاح صحیح نباشد مسئله اگر جانوری آواز کرد پس گفت که بیارمیر و یا غله گران شود یا جانور آواز کرد و از سفر بازگشت در کفر او اختلاف است مسئله اگر گفت که خدا میداند که من همیشه پیوسته تریا و میکنم بعضی گفته که کافی شود اگر گفت که خدا میداند که منی و شادی تو چنانم که منی و شادی خود بعضی گفته که کافی شود بعضی گفته که اگر بر نیکی و بدی آنکس بمال و بدن قیام می کند چنانچه بر نیکی و بدی خود کافی نشود مسئله اگر گفت که قسم بخدا و یا پی تو کافی شود مسئله اگر گفت که رزق از خداست لیکن از بنده بختن خواهد کافی شود مسئله اگر گفت فلانی اگر بی باشد بومی ایمان نیارم یا گفت اگر خدا مرا بنماز امر کند نماز نکرارم یا گفت اگر قبله باین سو باشد نماز نکرارم کافی شود مسئله اگر

ضمیمه مالایه

مسئله اگر کسی بدون شهود نکاح کرد و گفت که خدا و رسول خدا را گواه کردم یا فرشته را گواه کردم یا فرشته مسئله و از مجمع النوازل آورده که اگر گفت که فرشته دست رست و دست چپ را گواه کردم کافی نشود اگر چه نکاح صحیح نباشد مسئله اگر جانوری آواز کرد پس گفت که بیارمیر و یا غله گران شود یا جانور آواز کرد و از سفر بازگشت در کفر او اختلاف است مسئله اگر گفت که خدا میداند که من همیشه پیوسته تریا و میکنم بعضی گفته که کافی شود اگر گفت که خدا میداند که منی و شادی تو چنانم که منی و شادی خود بعضی گفته که کافی شود بعضی گفته که اگر بر نیکی و بدی آنکس بمال و بدن قیام می کند چنانچه بر نیکی و بدی خود کافی نشود مسئله اگر گفت که قسم بخدا و یا پی تو کافی شود مسئله اگر گفت که رزق از خداست لیکن از بنده بختن خواهد کافی شود مسئله اگر گفت فلانی اگر بی باشد بومی ایمان نیارم یا گفت اگر خدا مرا بنماز امر کند نماز نکرارم یا گفت اگر قبله باین سو باشد نماز نکرارم کافی شود مسئله اگر

مسئله اگر کسی بدون شهود نکاح کرد و گفت که خدا و رسول خدا را گواه کردم یا فرشته را گواه کردم یا فرشته مسئله و از مجمع النوازل آورده که اگر گفت که فرشته دست رست و دست چپ را گواه کردم کافی نشود اگر چه نکاح صحیح نباشد مسئله اگر جانوری آواز کرد پس گفت که بیارمیر و یا غله گران شود یا جانور آواز کرد و از سفر بازگشت در کفر او اختلاف است مسئله اگر گفت که خدا میداند که من همیشه پیوسته تریا و میکنم بعضی گفته که کافی شود اگر گفت که خدا میداند که منی و شادی تو چنانم که منی و شادی خود بعضی گفته که کافی شود بعضی گفته که اگر بر نیکی و بدی آنکس بمال و بدن قیام می کند چنانچه بر نیکی و بدی خود کافی نشود مسئله اگر گفت که قسم بخدا و یا پی تو کافی شود مسئله اگر گفت که رزق از خداست لیکن از بنده بختن خواهد کافی شود مسئله اگر گفت فلانی اگر بی باشد بومی ایمان نیارم یا گفت اگر خدا مرا بنماز امر کند نماز نکرارم یا گفت اگر قبله باین سو باشد نماز نکرارم کافی شود مسئله اگر

۱۵۰
 کلاه جوس بر سر بوقل
 صبح گریه کنانم دردت
 در خیزد و در کافور
 به رستق ندارد که گریه
 که کن درین غل غلایان
 در جنگ کلاه بر سر کنان

این روایتی است مسئله اگر کسی کلاه مثل آتش پرستان یا جامه مثل
هندو پوشد بعضی علما گفته اند که کافر نشود و بعضی گفته که کافر نشود و
بعضی متاخرین گفته که اگر بضرورت پوشد کافر نشود مسئله اگر کسی زنا
قاضی ابی حفص گفته که اگر برای خلاصی از دست کفار کرده باشد کافر
نشود و اگر برای فائده و تجارت کرده باشد کافر نشود مسئله مجوس
نور و جمع شوند یا هندو و زبولی یا دیوالی شادی نمایند و سلمانی
گوید چه خوب سیرت ننماید اندک کافر نشود مسئله از مجمع النوازل آورده
مردی ارتکاب گناه صغیره کرد پس گفت مرا در امری که توبه کن گفت
عنه من چه کرده ام که توبه کنم کافر نشود مسئله اگر صدقه که از مال حرام
و امیدواری ثواب کرد کافر نشود مسئله اگر فقیری اندک از حرام را بدو
و برای او دعا کرده و صدقه و هدیه آیین گفت کافر نشود مسئله بنای
شراب بخورد و اقربای او آمده برود و راهم بخار کردند یا مبارکباد دادند و
هر دو صورت همان کافر نشوند مسئله از حلال و حرام لوطیت باز نمود

[illegible]

مجلس تدریس است
ایضا در این کتاب
مجلس تدریس است
ایضا در این کتاب
مجلس تدریس است
ایضا در این کتاب

و همچنین در دیوانی و دوسره کفار هندی برآید و با کافران موافقت کند و در
بازی کافر شود مسئله ایمان یاس مقبول نیست و توبه یاس صحیح است
که مقبولست مسئله و شرح مقاصد گفته که هر که حدوث عالم یا خشنود
یا علم تجربیات و مانند آنرا که از ضروریات دین است انکار کند با تقی
کافر شود و اگر در مسائل عقاید که روافض و خوارج و معتزله و غیره فرقهها
مذبیة اسلام در آن خلاف دارند بر خلاف اهل سنت اعتقاد کند و در
کافر گفتن او علما اختلاف دارند و برخی از ابی حنیفه مرویت کسی را
از اهل قبله کافر نیکویم و ابی اسحق سمرانی گفته که هر که اهل سنت کافر
داند او را کافر میدانم و هر که نداند او را کافر ندانم مسئله علامه علم الهدی
و سحر محیط گفته که هر طغیون که در جناب پاک سرور کائنات صلی الله علیه و آله
وسلم دشنام دهد یا امانت کند یا در امری از امور دین او یا صورت مبارک او یا
وصفی از او صاف شریفه او عیب کند خواه مسلمان بود یا ذمی یا حربی اگر
از راه هزل کرده باشد آن کافرست چنانچه توفیق او شایسته نیست

توبه یاس مقبول است
بازی کافرست مسئله ایمان یاس مقبول نیست
که مقبولست مسئله و شرح مقاصد گفته که هر که حدوث عالم یا خشنود
یا علم تجربیات و مانند آنرا که از ضروریات دین است انکار کند با تقی
کافر شود و اگر در مسائل عقاید که روافض و خوارج و معتزله و غیره فرقهها
مذبیة اسلام در آن خلاف دارند بر خلاف اهل سنت اعتقاد کند و در
کافر گفتن او علما اختلاف دارند و برخی از ابی حنیفه مرویت کسی را
از اهل قبله کافر نیکویم و ابی اسحق سمرانی گفته که هر که اهل سنت کافر
داند او را کافر میدانم و هر که نداند او را کافر ندانم مسئله علامه علم الهدی
و سحر محیط گفته که هر طغیون که در جناب پاک سرور کائنات صلی الله علیه و آله
وسلم دشنام دهد یا امانت کند یا در امری از امور دین او یا صورت مبارک او یا
وصفی از او صاف شریفه او عیب کند خواه مسلمان بود یا ذمی یا حربی اگر
از راه هزل کرده باشد آن کافرست چنانچه توفیق او شایسته نیست

مجلس تدریس است
ایضا در این کتاب
مجلس تدریس است
ایضا در این کتاب
مجلس تدریس است
ایضا در این کتاب

و اجماع امت بر آنست که بی ادبی و استخفاف هر کس از انبیا کفر است
 خواه فاعل او علل دانسته مثلث شود یا حرام دانسته مستله
 آنچه روافض میگویند که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
 از خوف دشمنان بعضی احکام الهی را تبلیغ نکرد و کفر است
 اجماع است بر آنکه ما بعد از آنکه اسلام و ماکنانستند
 لَوْلَا اَنْ هَدَاَنَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاۤءَتْ رَسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ صَلَّى
 اللّٰهُ تَعَالٰی وَسَلَّم عَلٰی اَجْمَعِهِمْ خُصُوصًا عَلٰی سَيِّدِهِمْ
 وَخَاتَمِهِمْ شَفِيعِ الْعَالَمِينَ وَخَطِيبِ الْاَنْبِيَاءِ
 يَوْمَ الدِّينِ وَ عَلٰی آلِهِ وَ اصْحَابِهِ
 وَ تَبَاعِهِ اَجْمَعِينَ

۱۷
 سخفان ملائکه کم است یحیی
 بعد از کم است ۱۲
 ملک کم و یحیی است اگر کسی
 کند کدام فرشته از فرشتگان
 کارشود ۱۱
 میگردد ای تو چه این لازم
 علیه عدم و فوق با تو الی غیر
 کم است ۱۲
 فرشته و ملائکه
 ملک از فرشته و ملائکه
 فرشته است که بابت کرد و
 سلام فرمودیم که بابت می یابیم
 اگر خدا بابت نمی کرد و اما ۱۱
 البتة آورده اند پیغمبران
 پدیدد کارش را در روز خدا هیچ
 سلام او بر ملک ایشان خصوصاً
 بر سرور ایشان و قائم ایشان
 شفیع عالیان و خطیبانند
 پیغمبرانند

نہایت زینا اود صاحب اود اور و اور

قرضوا بانست در ادای آن تنها و نمانند و صلیه شریفه حضرت شیخ رضی الله عنهما
 هر یک بمقدور خود خدمت کردن لازم و واجب و اندک علی الموسع قدره و علی المقصر
 قدره لا یكلف الله نفسا الا و سعهما فقیر در اتمام دهن گندم پنج شش سوپیه نقایشان میداد و هم
 قصور نشود و ده بگیه زمین چاه بیدانی و اله و الهه و دلیل الله از طرف خود برای مزار ایشان
 وصیت کرده بود و بایشان میرسد و من از طرف خود بستی بگیه خام زمین چاهی فرو عاز
 موضع نگاره ای ایشان مقرر نموده بود و کمین ایشان بران قبضه کرده اندیکان گندم و دیگر و فقیر
 در ماهه بایشان میدهم درین هم قصور نشود موضع نگاره میراث جدیدی و جدا داری نمین
 نیست محض تصدق حضرت مرزا صاحب شهید است رضی الله عنه در ادای خدمت ایشان
 تقصیر نمانند نو عدلی که برای پس ماندگان میفده است که دنیا را چندان مقبره ندارند
 اکثر کسان و ظلی و اکثر در جوانی می میرند و بعضی پیری می رسند تمام عمرشان هم در اندک وقت
 مثل باد صبا میروند و نمیدانند که کجاست و معامله آخرت که لقطاع پذیر نیست بر سر میماند
 حق تعالی میفرماید اذا التمسنا نعظرت الی الله قوله علمت نفس با قدمت و آخرت ابعی باشد
 باین لذت قلیل که انهم سر کج کشی میغیر شود و لذات تدری و انمی را بر باد و بد و آلام ابدی
 گرفتار شود و بعد و با فقه منها لیس جای که مصلحت دینی و مصلحت دنیوی با هم متعارض شود
 مصلحت دینی را مقدم باید داشت کیسکه مصلحت دینی را مقدم میدارد و دنیا هم موافق تقدیر
 بوی میرسد رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم من جعل الموم بما و احد هم آخرته کفی بها
 هم و بیا یعنی هر که مقاصد خود در یک مقصود منحصر سازد مقصود آخرت منظور دارد
 کفایت کند الله تعالی مقصود دنیا می اورا کسی که مصلحت دینی را مقدم دارد و گاه
 باشد که دنیا هم اورا دست ندهد چنانچه بیشتر درین زمانه همچنین است پس خسر الدنیا آله خیر شود

در این حدیث مراد از آنست که هر یک بمقدور خود خدمت کردن لازم و واجب و اندک علی الموسع قدره و علی المقصر قدره لا یكلف الله نفسا الا و سعهما فقیر در اتمام دهن گندم پنج شش سوپیه نقایشان میداد و هم
 در این حدیث مراد از آنست که هر یک بمقدور خود خدمت کردن لازم و واجب و اندک علی الموسع قدره و علی المقصر قدره لا یكلف الله نفسا الا و سعهما فقیر در اتمام دهن گندم پنج شش سوپیه نقایشان میداد و هم
 در این حدیث مراد از آنست که هر یک بمقدور خود خدمت کردن لازم و واجب و اندک علی الموسع قدره و علی المقصر قدره لا یكلف الله نفسا الا و سعهما فقیر در اتمام دهن گندم پنج شش سوپیه نقایشان میداد و هم
 در این حدیث مراد از آنست که هر یک بمقدور خود خدمت کردن لازم و واجب و اندک علی الموسع قدره و علی المقصر قدره لا یكلف الله نفسا الا و سعهما فقیر در اتمام دهن گندم پنج شش سوپیه نقایشان میداد و هم

"دین و دنیا را با هم مقصود نماند"

و اگر دنیا دست دهد و در اندک فرصت زوال پذیرد و خسران ابدی لاق شود و فقیر بشود خود
هزار بار دم را دیده که بدولت رسیدند باز از آنها اثری نماند و فقیر و برادر فقیر و پدر فقیر و جد فقیر
بخدمت قضا بنما شدند هر چند آنچه میباید حق این خدمت از ادا نشده و خصوصاً از این فقیر
پرتقصیر که بشیر عمر در زمانه فاسد تر یافته از نجبت نادوم و متغفر انا بحول الله و قوته طمع ازین
خدمت نکرده ام و از اکثر انبای روزگار نوعی بخوبی کردم الحمد لله علی ذلک از نجبت و افضل
الی امید مغفرت دارم مقصود اصلی و نیت فقیر همین است اما بکرت همین عمل حلاله مسلمانان
بلکه خود هم هر کس که ملاقات کرده معزز داشته و غنیمت شمرده و گرنه علما بهتر از من موجودند
کسی نمیرسد و از باطن کسی دیگر از آنچه خبر است این دلیل است بر آنکه اگر مصلحت مینی را بر دنیا
مقدم داشته شود و نیاز هم از وی روگردان نشود ع میزد بزدان را و تنقی پس از فرزندان
من کسی که خدمت قضا اختیار کند طمع و خاطر داری ناق را داخل ندهد و بر وایت مقبرتی
عمل نماید و از جمله تقدیم مصلحت مینی بر مصلحت دنیوی نیست که در سناکت و بنداری منظور
چون درین زمانه درین شهر مذاهب و انض بسیار شیوع یافته است و مشرفا بشیر علی سب
رفاه و عیشت نظر میدارند و اول رعایت دین باید کرد و هر کس بی رضای یا شتم بر نفس آنچه چنانچه
دعای سب باشد نباید و او روز قیامت سزای دین و تقوی هیچ کار نخواهد آمد و سب
را نخواهند پسید مصرع که درین را و فلان ابن فلان چیزی نیست و دولت
اعتبار ندارد و که مشتق از تداول است المال غا و دواج و باید دانست که اکمل
الاکملین از نوع بشیر بلکه از ملائکه هم سبب المهر سلین محمدت صلی الله علیه و آله و سلم هر کس
هر قدر بان سرور شایسته بود رساند در باطن و ظاهر و صفات جلالی و کسبی و علم و خفا و
و عمل و رعادات و عبادات آن کس را همان قدر کامل باید دانست و هر کس در شایسته

سلسلہ تعمیر جمیع شاخیں ثابت است خدای ماریا علیہ السلام و شام کنند و است گنجی گاهی حکام بادوامی آید و شام کنند و در گنجی رقت شام کے آید و بادوامی در ۱۲

محکم دلائل سے مزین متنوع و منفرد موضوعات پر مشتمل مفت آن لائن مکتبہ

در چیزی ازان قاصرست همان قدر وی را ناقص نباید دانست و لکن بجهت کمال اتباع
سنت پسند که اولیای نقشند بر اختیار کرده اند گوی مسابقت برده اند و همین کمال
مشابهت بجهت کمال متابعت دلیل است بر فضیلت شان و اگر محبت را قاصر متیان
از کمال متابعت آنجناب کوتاهی کند و برادامی واجبات و ترک محرمات و مکروهات و
مشتبهات در عبادات و عادات و معاملات خصوصاً در معاملات قناعت کند آنهم بسیار
غنیست است گوشت نوافل و اتیان استجاب و کمال اشتغال بنسب در عبادات و عادات
از ویسر نشود در رسول فرمود علی الصدیق علیه السلام من اتقی اشبهات امیر المینه و عرضه
من وقع فی اشبهات واقع فی الحرام الحدیث فی الصبیحین تحقیقی می فرماید ان
اولیاءه الا السقون نیستند دوستان خدا مگر متقیان تقوی عبارت از ادا می
واجبات و ترک محرمات و مشتبهات است نه از کثرت نوافل و اتیان استجابات اقبیح
محرمات و زائل نفس است از لفاق و عجب و کبر و خند و حسد و ریا و سمع و طول امل و
حرص بر دنیا و مانند آن و بعد ازان محرمات که بافعال جوارح تعلق دارد و در کفایت
مبین اند و اگر محبت ازین مرتبه هم کوتاهی کند و از شومی نفس و شر شیطان ترک محبت
شود پس در آنچه اطلاق حقوق العباد باشد ازان اجتناب باید کرد حق تعالی کریم است
و رسول و پیران عظام شفع اندانجا امید عفو است و حقوق العباد و رخصت ش نمی آید
آیات و احادیث در نیاب بسیار اند این رقیه متعل آن نهاده شد حدیث بسیار است از رسول
من لسانه ویده و حدیث ان تحب للناس ما تحب لنفسک و کما یحبکم ربکم و کما یحبکم ربکم
کافیت شعر باشد ندی آزار و هر چه خواهی کن که شسته بپوشیده باشد و زیاده
نیست یعنی غیر ازین مثل گناهی نیست و باید از آن گریز کرد و نه باید است

۴
کسی که کمال را بداند
بجهت کمال متابعت
خداوند متعال
خود را که یکدست
شبهات نماید و در
از هر چه که شایسته
است که سلاست بخند
سلمان ازان را بداند
منطقه در دست خود
بسیار ازین نوع
درست داری برای
ذات خود و نافرین
داری از ستمنازان
بچه ها و زن و باری
بای ذات خود

آنست که از اتباع خود و زن و فرزند و نوکر و غلام و کنیز و رعیت با هر یک چنان
 معاشرت باید کرد که آنها را رضی باشند و دوست دارند و از کثرت اخلاق و غمخواری و
 عدم تکلیف مالایطاق و رعایتها بجان گرویده باشند مگر آنکه بعضی از آنها از حسد یکدیگر
 اگر ناخوش باشند آن مقبر نیست و متوعلان خود را از ادب و فرمانبرداری و خدمتگذار
 رضی دارند مگر در آنچه بحیثیت امر کنند رسول فرمود علی الله علیه و آله و سلم لا طاعت
 للمخلوق فی معصیه الخالق و یا اقران خود را از اقربا برادران و دوستان و صحبتان
 و همسایگان با خلاص و محبت و غمخواری و تواضع باشند دنیا جای مناسب برای
 معاملات دنیوی با هم تقاطع نکنند هیچ خانه بر پا نشده مگر و قتیکه با هم منازعت و
 مخالفت کردند و از کسانیکه اندیشه دشمنی باشد آنها را با احسان و نیکوئی شسته بماند
 و سرنگون باید کرد و حقیقت آسایش و ولایتی تفسیر این دو حرف است با دوستان
 لطف با دشمنان مدارا به قال الله تعالی اوفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك و
 بينه عداوة كانه ولی حمیم و یا یلقها الا الذین صبروا و یا یلقها الا ذو حظ عظیم و اما
 نیز غشک من الشیطان نزع و استعد بالله انه هو السميع العظیم یعنی دفع بدی کن بصلتیک
 نیکوتر است یعنی بدی دشمنان به نیکوئی گردن بآنها از خود دفع کن پس ناگاه شخصی
 که در میان تو و او دشمنی است دوست و محب خواهد شد و نمی کنند این چنین مگر
 کسانیکه صبر میکنند و مگر کسانیکه صاحب نصیب بزرگ اند و اگر و سوسه شیطان ترا
 و رین کار مانع شود اعدا و بنحوان و پناه جوی بخدا به درستی که خدا سميع و عظیم است
 این حکم در حق کسی است که با وی برای دنیا دشمنی و ناخوشی باشد اما با کسی که بصفا
 الله باد و دشمنی باشد مثل بر نفس و نواح و مانند آن از آنها موافقت نکند تا که

صله بجز نیست و از برای مخلوق و در از برای خالق ۱۱ دست کار ساز دارد و بیشتر از این خسارت ۱۲

و صفت نامه
 شعله مالایطاق

تا که از خاندان فاسده توبه کنند اگر چه پدر یا پسر باشند قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا
 لا تأخذوا عدوی وعدوکم اولیاء الی قوله لن تنفعکم ارحامکم ولا اولادکم یوم القیامه
 بفضل بنیام و در خاندان فقیر همیشه علما شده اند که در هر عصر ممتاز بودند از
 فرزندان فقیر احمد الله این دولت بهم رسانیده بود و خدایش بیامرز در حلت کرد
 و لیل الله و صفوة الله را هر چند خواستم و تحصیل این دولت تن نداد و ندانست
 است و این قدر عبارت قفاوی که فهمیدند اعتبار ندارد و باید که خود هم درین امر اگر
 تواند کوشش کنند و فرزندان خود را سعی کنند که این دولت لازوال کسب نمایند
 که هم در دنیا و هم در عقبی مشتمل بر بکات است علم عبارت است از دانستن حسن و قبح
 عقائد و اخلاق و احوال و اعمال که علم عقائد و علم خلاق و علم فقه تکلف است
 و این علم بدون دریافتن اوله از قرآن و حدیث و تفسیر و شرح احادیث اصول
 فقه و دریافتن اقوال تابعین خصوصاً ائمه اربعه رحمهم الله و لغت و صرف و نحو
 صورت نمی بندد و در کتب قفاوی بعضی روایات بی اصل نوشته اند و ریافت
 حال صحیح و تقیم مسائل بدون انبیه علوم نمی شود و درین علوم سعی باید کرد و
 خواندن حکمت فلاسفه لایحه محض است کمال دران مثل کمال مطربانست
 و در علم موسیقی که موسیقی هم فنی است از فنون حکمت ریاضی مگر منطق که خام همه
 علوم است خواندن آن البته مفید است

رسالہ اظہار الحلال و احرام ضمیمہ مالا بدینہ نظر مفید عام

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللہ کی حمد کس منہ سے ہو سکے کہ جس نے کھانا مردار کا حرام کیا اور لاکھوں درود اوس رسول مقبول پر کہ جسکے دست مبارک میں بچنے ہوئے گوشت و کلام کیا بعد اسکے فقیر محمد حسین ساکن تبت سب بھائی مسلمانوں کی خدمت میں پوست پر کندہ و عنقریب کرتا ہوں کہ جب مولوی شیخ محمد عبید اللہ صاحب ذبیحہ و نجات کو مسلمانوں کو کافروں سے گوشت خرید کر کھاتے ہوؤ دیکھا یعنی ہندو کھٹیکوں سے سب گوشت لیتے ہیں تو بکمال حسن سعی اپنی کے دہلی اور سہارنپور کے عالموں سے فتویٰ اوسکے دست ناظر ہو چکا طلب کیا سو اوسکے نا دست ہوؤ پر دونوں جگہ کو عالموں کی مہرین ہوئیں جب ہتھامزین سچا اب اور موہیر ہوا یا تو مولانا موصوف ذی اس فقیر کو ارشاد کیا کہ اگر اسکو چھپو اگر مسلمانوں میں منتشر کر دیا جائی تو بہتر ہو سو میں نے اوپر عمل کیا اور یہ خطبہ لکھتی کر کے نام ہر سالہ اظہار الحلال و احرام رکھا اللہ مسلمانوں کو عمل کی توفیق دے

سوال اول ما قولہم رحمہ اللہ در صورتیکہ کافر می گوشت ذبیحہ بفروشد و بیان کند کہ این ذبیحہ رسم فسخ کردہ است و دلیل بر فسخ کردن سلم قول کافر است فقط درین صورت باغما و قول کافران ذبیحہ حلالست یا حرام و نیز در قریہ مثلاً عادت باشد کہ اوسلمانان فسخ کنانیدہ کفار گوشت می فروشند مگر خریدار رافع کردن سلمان آن ذبیحہ الحجر قول کافر یا عادت از وجہ دیگر معلوم نمیشود پس حکمش چیست۔

ضمیمہ مالا بدینہ

جواب اول حکم بر قرنیہ و غیرہ کردہ نمیشود تا وقتیکہ دلیل شرعی قائم نشود و اجابت خفیان حکم بر قیافہ نمیسازند و علی الخصوص در حلت و حرمت کہ محل احتیاط و احتراز است

پس و صورت مرقومه حکم بر قول کافر در باب حلت و حرمت که از چهار دین نامست نکرده شود
یعنی آن گوشت بقول کافر که ذبح کرده مسلم است خوردن جائز نیست قال فی در المختار
قول الکافر مقبول بالاجماع فی اعمالات لانی الدیانات اتی وقال محمد بن الحسن الشیبی
فی الموطا فان اتی بذلک مجوسی و ذکر ان مسلما ذبحه لم یصدق ولم یوکل والله اعلم بالصواب

محمد بن عبد الله بن	محمد قطب الدین	نواز شریف علی	رحمة الله علیه	سید محمد ظفر حسین	جواب صحیح است و از تفریق طافه نیت در باب
محمد کریم الله	احمد علی کل علی	فیض محمد سعید احمدی	حسین الشیبی	البتة اعتبار ان اشتماذ الله اعلم بالصواب	حلت و حرمت تفریق شد و باب لغزات

سوال و و هم چه میفرماید علمای دین رحمهم الله تعالی اندرین باب که شخصی قوم منو و شل
کھنیک و غیره گویند یا دیگر حیوان از دست مسلمان ذبح کنانید بعد آن ذبیحه از نظر مسلمان
غائب شد بعد لحظه آن کھنیک گفت که این گوشت همان حیوان که تو ذبح نمودی
ایا این مسلمان را با عتقاد قول آن منو و خریدن گوشت آن ذبیحه درست است یا نه
جواب و و هم مادامیکه گوشت آن ذبیحه رو برو می مسلم ماند و غائب نشود و خریدنش و
خوردنش درست است و بعد از آن که از نظرش غائب شد قول آن کافر درین باب قهر

نخواهد شد قال محمد بن داود و هو قول ابی حنیفه رحمه الله اذا کان الذی یاتی بها

ای بتلک اللحم و فی نسخة بذلک سلما و من اهل الکتاب می یهودیا و نصرانیا و کان عربیا
و صار کتابیا فان اتی بذلک مجوسی ای عابد نار و فی معناه الوثنی و هو عابد الصنم او المربة و ذکر ان
مسلم ذبحه او رجلا من اهل الکتاب می ذبحه لم یصدق فیما ذکره و لم یوکل بقیه و الله اعلم بالصواب
الدیانات بل من ارباب الخدع و النجیانه شرح ملا علی قاری بر موطا از احمد محمد رحمة الله تعالی

سعاد علی	محمد رشید علی	نواز شریف علی	مشتاق احمد علی	ابو سعید	اصحاب بن ابی	ابو سعید
فیض محمد حسین	فیض محمد حسین	فیض محمد حسین	فیض محمد حسین	فیض محمد حسین	فیض محمد حسین	فیض محمد حسین

حاصل مضمون اسکایه بکه اگر کوئی مشرک هند و شل کھنیک غیره یا مجوسی یا چوپن یا چار یا

فیض محمد حسین

اور کوئی مشرک گوشت پچھا ہوا اور کتا ہو کہ میں نے اس جانور کو مسلمان سے فوج کرایا تو اس بات میں اس کے کہنے کا اعتبار نہیں اور اس کا کھانا اور خریدنا درست نہیں اور اگر کسی مشرک نے مسلمان کو ہاتھ سے جانور فوج کرایا اور وہ جانور مسلمان کی نظر سے غائب ہوا پھر اس میں سے خریدنا درست نہیں ہاں اگر بعد فوج کو اس کو اپنی نظر سے غائب نہ ہو اور اس وقت اس میں سے خرید لے تو جائز ہے اور اگر مشرک نے مسلمان سے فوج کرایا اور اس میں سے کسی مسلمان کو گھر بھیج دیا تو اس کا بھی خریدنا درست نہیں اصل اس مسئلہ میں یہ ہے کہ بعد فوج کو مسلمان کی نظر سے اگر گوشت ایک لحظہ بھی غائب ہو جاوے اس کا لینا اور کھانا اور خریدنا ہرگز درست نہیں اب بھائی مسلمانوں کی خدمت میں عرض یہ ہے کہ کھٹیکہ وغیرہ سے گوشت ہرگز مول نہ لیا کریں اور لیا کریں تو اپنی ساری مسلمانوں سے فوج کرا کر اپنی نظر سے غائب نہ ہو کر دیا کریں کیلئے کہ یہ درست ہے اور نہیں تو یہ سمجھ لو کہ دنیا چھوٹے چند روز ہے چند روز گوشت سے صبر کرنا آسان ہے بہشت کی نعمتوں سے محروم رہنا اور روز قیامت کی آگ پر صبر کرنا مشکل پڑیگا اللہ توفیق عنایت کرے

خاتمہ الطبع

بعد ثنائی کبریاء و دربر اشرف انبیاء نستحی جامع مسائل فقہ مسیہ بہ مالاً بدینہ تصنیف عالم ربانی حضرت قاضی سنا الدین پانی پتی باضافہ حاشی لائقہ بالنقشہ فی الزوال معریا و جہیز مثل بر مسائل ضروریہ لا بدیہ و رسالہ تہذیب کلمات کفر و حقیت نامہ و رسالہ انظار الحلال الحرام این جملہ رسائل ضمیمہ مالاً بدینہ شدہ باہمئی شمسہ عیسوی مطابق ماہ جمادی الاول ۱۲۹۴ھ

در شہر کانپور مطبع گرامی جناب غنشی نول کشور صاحب مضامین

رونق انطباعات

